

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۵۰

دوشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۴، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

**بیانه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری
پیرامون چشم‌انداز توقف کشتار و نسل‌کشی در غزه**

دو سال پس از حمله گروه اسلامی حماس به اسرائیل و کشتار و گروگان‌گیری صدها تن از شهروندان این کشور، و دو سال پس از لشکرکشی دولت اسرائیل به غزه و دست‌زدن به بزرگ‌ترین نسل‌کشی و جنایت قرن که نزدیک به ۷۰ هزار نفر را قربانی کرد و درد و رنج و آوارگی را به مردم بی‌پناه تحمیل کرد، اکنون خبرها حاکی از موافقت حماس و اسرائیل با طرح صلحی است که دولت ترامپ پیشنهاد کرده و آن را سرپرستی می‌کند. دنیا قطعاً از توقف فوری جنگ استقبال می‌کند چرا که هر یک روز توقف زودتر این کشتار و آدم‌کشی. پررحمانه، به معنای نجات ده‌ها نفر از مرگ و نیستی است و علی‌رغم هر هدفی که طرفین از این طرح و موافقت با آن دارند، باید از توقف این جنایت عظیم قرن اگر به طور واقعی متوقف شود، استقبال کرد.

"قهرمانان صلح" امروز، طراحان و دست‌اندرکاران اصلی تراژدی و نسل‌کشی در غزه هستند. نام نتانیاهو که امروز دستور توقف پیشروی ارتش در غزه را صادر کرده، در کنار هیتلر و موسلینی و پینوشه و دیگر جانبداران تاریخ ثبت خواهد شد و محاکمه او به جرم جنایت علیه بشریت بی‌تردید روزی عملی خواهد شد. دولت‌های آمریکا طی این دو سال تماماً از جنایات دولت نتانیاهو حمایت و پشتیبانی کردند و با کمک‌های نظامی و مالی دست‌ودل‌بازانه، در این پاک‌سازی قومی فعالانه سهیم شدند.

تراژدی تکان‌دهنده و غم‌انگیز غزه باید بشریت را به جستجوی راهکارهایی برای پیشگیری از تکرار چنین فجایعی مصمم‌تر کند. تا زمانی که نیروهای فاشیستی و ضدبشری و ارتجاعی ای نظیر تروریست‌های حماس و حزب‌الله، و جمهوری اسلامی و دست‌راستی‌های اسرائیل و آمریکا بازیکنان صحنه سیاست باشند، بشریت نمی‌تواند نفس راحتی بکشد و احساس امنیت کند.

تا آنجا که به بحران فلسطین مربوط می‌شود، با کوتاه‌کردن دست نیروهای ارتجاعی اسلامی و فاشیسم اسرائیلی راه برای تحقق راه‌حل دو کشور مستقل، سکولار و مبتنی بر حقوق برابر فلسطینی اسرائیلی - هموار خواهد شد. تنها در چنین شرایطی، مردم فلسطین و اسرائیل امکان می‌یابند به‌دور از جنگ، خشونت و خونریزی در کنار هم زندگی کنند.

از نظر ما سرنگونی جمهوری اسلامی که در چشم‌انداز نزدیک جامعه ایران قرار دارد، معادلات سیاسی در منطقه و جهان را دگرگون خواهد کرد. این تحول به زبان راست افراطی در اسرائیل و جنبش تروریسم اسلامی، و به سود آزادی، سکولاریسم، تمدن و انسانیت خواهد بود. حذف جمهوری اسلامی به‌عنوان سرمنشأ اسلام سیاسی و یکی از بازیگران اصلی این منازعه، به حذف جریان‌های افراطی و فاشیستی از صحنه سیاست اسرائیل نیز کمک خواهد کرد و زمینه‌های جدیدی برای حل‌وفصل اساسی یکی از قدیمی‌ترین منازعات بین‌المللی را فراهم خواهد نمود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهرماه ۱۴۰۴

اطلاعیه مشترک

حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست ایران

به مناسبت ۱۰ اکتبر

روز جهانی مبارزه علیه حکم اعدام

صفحه ۲

سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی

در پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

جنبش زن، زندگی، آزادی و جهانی که

می‌خواهد نفس بکشد

صفحه ۳

قطعنامه‌های مصوب پلنوم ۶۰ حزب کمونیست

کارگری ایران:

امکان، مطلوبیت و مبرمیت سوسیالیسم در ایران

صفحه ۶

جنبش کارگری و ضرورت اعتصابات سراسری گسترده و هم‌زمان

صفحه ۷

بن‌بست جمهوری اسلامی

صفحه ۸

ایران و خاورمیانه در میان‌دوروند تاریخی

صفحه ۹

بیانه‌های صادره در پلنوم ۶۰ حزب کمونیست

کارگری ایران

صفحه ۱۱

اطلاعیه پایانی پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب

کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۴

دلایل حمایت جمهوری اسلامی از پذیرش طرح

ترامپ توسط حماس

مهران محبی

صفحه ۱۶

سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۷

اطلاعیه مشترک حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست ایران

به مناسبت ۱۰ اکتبر - روز جهانی مبارزه علیه حکم اعدام

بخشی جدایی ناپذیر از مبارزه برای سرنگونی رژیم اعدام جمهوری اسلامی و استقرار نظمی عادلانه، آزاد و برابر در ایران است.

مبارزه علیه اعدام، مبارزه‌ای جدا از مبارزه برای آزادی و برابری و سوسیالیسم نیست. این مبارزه، بخشی از نبرد عمومی مردم علیه نظامی است که با نابرابری، ستم جنسیتی، تبعیض طبقاتی، سرکوب آزادی بیان و نابودی کرامت انسانی شناخته می‌شود. تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است، ماشین اعدام کار خواهد کرد. تنها با سرنگونی کامل این حکومت و برپایی نظامی سوسیالیستی و انسانی، آزاد و عاری از ستم و استثمار می‌توان به دوران اعدام، شکنجه و کشتار پایان داد.

ما از مردم مبارز و آگاه ایران، از همه نیروهای آزادی‌خواه و عدالت‌طلب، از فعالان جنبش‌های کارگری، زنان، جوانان و دانشجویان، و از تمام نهادها و سازمان‌های مدافع آزادی و حقوق انسانی در سراسر جهان می‌خواهیم که صدای اعتراض خود را علیه مجازات اعدام و علیه جمهوری اسلامی بلند کنند. هر اعدامی باید با موجی از اعتراض و محکومیت در داخل و خارج کشور روبه‌رو شود. تنها از طریق اتحاد و همبستگی جهانی می‌توان ماشین مرگ و اعدام را متوقف کرد.

در این روز جهانی، ما یاد همه جان‌باختگان راه آزادی، برابری و رهایی را گرمی می‌داریم و بر تعهد خود برای مبارزه‌ای بی‌امان تا لغو کامل مجازات اعدام و سرنگونی جمهوری اسلامی تأکید می‌کنیم. جامعه‌ای سوسیالیستی و انسانی، عادلانه و آزاد، جامعه‌ای است که در آن هیچ حکومتی حق گرفتن جان انسان را ندارد.

زنده‌باد مبارزه و تلاش برای لغو مجازات اعدام و همه احکام اعدام - زنده‌باد آزادی و برابری - زنده‌باد زندگی!

حزب کمونیست ایران

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ اکتبر ۲۰۲۵، ۱۸ مهر ۲۰۲۵

۱۰ اکتبر، روز جهانی مبارزه علیه حکم اعدام، فرصتی است برای اعتراض علیه یکی از غیرانسانی‌ترین ابزارهای سرکوب در تاریخ بشر. اعدام، در ذات خود، قتل عمد دولتی است؛ اقدامی است آگاهانه و برنامه‌ریزی شده از سوی حکومت‌ها برای تحکیم سلطه، گسترش ترس و خاموش کردن اعتراض. در هیچ جامعه‌ای، اعدام نشانه عدالت نبوده است.

در ایران، رژیم جمهوری اسلامی از نخستین روزهای سرکار آمدن خود، حکومت اعدام و شکنجه بوده است. هزاران انسان شریف، آزادی‌خواه، زن و مرد، کارگر و معلم، دانشجو و روشنفکر، فعال سیاسی و اجتماعی، تنها به جرم ایستادگی در برابر ستم و تبعیض، در پای چوبه‌های دار توسط این رژیم به قتل رسیده‌اند. اعدام‌های گسترده دهه شصت، کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، و اعدام‌های اخیر معترضین خیزش‌های مردمی، علی‌الخصوص خیزش انقلابی زن زندگی آزادی، ادامه همان سیاست جنایت‌کارانه‌ای است که بر پایه وحشت، مرگ و انتقام طبقاتی بنا شده است.

اعدام در رژیم جمهوری اسلامی، نه فقط یک حکم قضایی، بلکه یک سیاست حکومتی است؛ ابزار بقای رژیمی که از نفس زندگی مردم، از آگاهی، آزادی و برابری می‌ترسد. این حکومت برای تداوم حیات خود، به ترور، شکنجه و اعدام متوسل می‌شود. اعدام در ایران، زبان رسمی قدرت است؛ زبان یک حکومت ضدانسانی که موجودیت خود را در حذف فیزیکی مخالفان سیاسی خود می‌بیند.

ما مجازات اعدام را در هر شکل و به هر بهانه‌ای - از جمله تحت عنوان مخالفت سیاسی، مذهبی، "قصاص"، "جرائم امنیتی"، یا "حفظ نظم اجتماعی" - شدیداً محکوم می‌کنیم. هیچ توجیهی، هیچ قانونی و هیچ مذهبی حق ندارد مجوز کشتن انسان را به هیچ رژیم و حکومتی بدهد. لغو فوری و بی‌قید و شرط مجازات اعدام، نه تنها خواستی انسانی، بلکه

اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و کشاورزان و دانش‌آموزان بیش از پیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشادتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پا له شد. فریاد سرنگونی از همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است. گسترده از قبل پیا می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری جنبش زن، زندگی، آزادی و جهانی که می خواهد نفس بکشد



من هم به سهم خودم خوشامد می گویم. همگی خوش آمدید!

از پلنوم قبل تا امروز تحولات زیادی اتفاق افتاده است. بخصوص در رابطه با شرایط سیاسی ایران. من اینجا فرصت ندارم که این وقایع را بیوشانم؛ ولی سعی می کنم چند محور را توضیح بدهم.

در پلنوم قبل یکی از بحث های محوری ما این بود که انقلاب زن، زندگی، آزادی را باید تقویت کرد و گسترش داد با اتحاد همه فعالین و دست اندرکاران و با هماهنگی و همراهی آنها، و تلاش حزب برای اینکه این امر هر چه بیشتر اتفاق بیفتد. ما گفتیم که انقلابی که در ۱۴۰۱ شروع شد امروز به یک جنبش عظیم بنیان کن تبدیل شده، در سطوح مختلفی دارد به پیش می رود و دستاوردهای زیادی دارد: مثل حجاب یا به قول خود حکومتی ها خاکریز حجاب که امروز دیگر فتح شده و تثبیت شده. بی حجابی امری فتح شده و ثبت شده است و همچنین عرصه های متعدد دیگری علیه کل آپارتاید جنسیتی که انقلاب زن، زندگی، آزادی یک محورش همین بود؛ و گسترش مبارزه در بسیاری از عرصه های دیگر مثل مسائل معیشتی و غیره. در سومین سالگرد انقلاب زن، زندگی، آزادی در همین چند هفته قبل، یک بار دیگر روشن شد که چطور جامعه با تمام قدرت خودش، و چطور مردم با عزم و اراده استوارتر از گذشته، دارند این جنبش را ادامه می دهند. شرایط سیاسی ایران بعد از سال ۱۴۰۱ برای همیشه تغییر کرده است. این مردم هستند که به همه حرکت ها حتی ارتباط میان به اصطلاح بالایی ها، رابطه دولت ها با جمهوری اسلامی، شکل می دهند، و این جنبش انقلابی عظیم جاری است که به هر تحول، موضع گیری و هر مانور سیاسی در رابطه با ایران و دنیا مهر خودش را زده است. این را داریم به عینه مشاهده می کنیم.

بنابراین، تا جایی که به جنگ مردم با حکومت ها مربوط می شود، آنچه انقلاب زن، زندگی، آزادی نامیده می شود همچنان دارد حکومت را هر چه بیشتر تحت فشار قرار می دهد و به سرانجام سقوط می راند. حتی اتفاقاتی که در سطح بین دولت ها و موقعیت منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی هم رخ می دهد تماماً تحت تأثیر این جنگ اول است. جنگ مردم با حکومت. اگر کمی عمیق شوید می بینید که پایه تنش ها و کشمکش هایی که در این دوره شدت گرفت این است که جامعه حکومت را نمی خواهد و این حکومت به درودیوار می زند که علی رغم نفرت عمومی و آشفتن های که همیشه به پا شده خودش را همچنان در قدرت آویزان نگه دارد. به نظرم اگر بشود در یک عبارت وضعیت سیاسی ایران را بیان کرد باید گفت جامعه ای با تمام قدرت نه تنها حکومت را نمی خواهد، بلکه وارد عمل شده استین، بالا زده، و الان سه سال است که دارد در تمام جبهه ها برای به زیر کشیدن حکومت می جنگد و این حکومت تمام حرکت هایش، موضع گیری هایش، و ارتباطاتش با غرب در منطقه و غیره تابعی است از این نخواستن و نفرت عمومی. حکومتی که می خواهد بر دریای طوفانی جامعه خودش را نگه دارد و به هر طریق و تخته پاره ای متوسل می شود که غرق نشود. این تصویر کلی وضعیت حاضر است.

اگر مشخص تر بخواهیم صحبت کنیم، می بینیم که در این دوره استراتژی و سیاست حیثیتی و هویتی حکومت که عبارت بود از غرب ستیزی و مرگ بر شیطان بزرگ و نابودی اسرائیل، اکنون به ضعیف ترین موقعیت خودش افتاده و دیگر حکومت هیچ اهمی برای

پیشبرد این سیاست در دست ندارد. جمهوری اسلامی از ابتدا با این سیاست خودش را سر قدرت نگه داشته است. نکته مهم این است که تمام غرب ستیزی حکومت، از روز اول، از سال ۵۸ که سفارت آمریکا را تسخیر کرد، اساسش و شأن نزولش و علت اتخاذش این بود که جامعه انقلابی آن زمان ایران می خواست انقلاب ۵۷ را ادامه بدهد. جامعه با آمدن خمینی نه تنها از پا ننشست؛ بلکه آن انقلاب را گسترش داد. شوراها همه جا سر بلند کردند: در دانشگاه ها، در کردستان، در کارخانه ها، در ترکمن صحرا، و در تمام سطوح جامعه. راهی که حکومت پیدا کرد این بود که پرچم مرگ بر آمریکا را بلند کند و بعدش بیرق مرگ بر اسرائیل، و جنگ عراق با شعار "فتح قدس از طریق کربلا!" اینها باعث شد که حکومت بتواند بالاخره انقلاب را بعد از حدود سه سال در هم بکوبد و بعد همین اسلحه را به کار گرفت علیه اعتراضات و انقلابی که علیه خودش شکل می گرفت تا به امروز.

این بازی، این خط، این گفتمان و این پارادایم - هر اسمی رویش بگذارید - امروز تمام شده. به لطف جنگ مردم با این حکومت این بازی به انتها رسیده. حکومت می گوید غنی سازی هسته ای مردم می گویند غنی سازی زندگی! مردم می گویند نه به جنگ نه به پروژه هسته ای، ما خواهان غنی سازی زندگی هستیم.

اتفاق که در این دوره افتاد این بود که مخالفت جامعه با استراتژی حکومت که مردم همیشه علیه اش بودند - از جمله با شعار دشمن ما همین جاست دروغ میگویند آمریکا است که در واقع می گوید غرب ستیزی ابزار سرکوب حکومت است - از این سطح فراتر رفت. مردم به چالش کشیدن استراتژی و سیاست هویتی و حیثیتی حکومت را تبدیل کردند به جنگ خیابانی و شعارهای خیابانی. بازنشستگان، کارگران در خیابان ها و در بیابانیه ها، فراخوان ها، اطلاعیه های خودشان، در طومارهای خودشان، پرچم غنی سازی زندگی را در برابر غنی سازی هسته ای حکومت بلند کرده اند. مردم می گویند این جنگ، جنگ ما نیست. می گویند جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل آتش بس شد؛ اما ما آتش بسی نداریم. جنگ ما با جمهوری اسلامی آتش بس بردار نیست و تا پیروزی ادامه دارد. این را مردم، این را خیابان اعلام کرد. به عبارت دیگر یک ویژگی شرایط حاضر این است که استراتژی حکومت، سیاست حیثیتی حکومت، در خیابان ها زیر حمله قرار گرفت و انعکاس این را در خود صفوف حکومت می بینید. می بینید دو خردادی ها و اصلاح طلبان دوباره فعال شده اند. می گویند غرب ستیزی را تمام کن و این پارادایم را تغییر بده. می گویند دیگر نمی شود این طور ادامه داد. می گویند جامعه دارد منفجر می شود. سر مکانیسم ماشه این کشمکش بود و سر جنگ ۱۲ روزه هم همین طور. از مدت ها قبل از جنگ ۱۲ روزه این بحث ها شروع شد و زمین زیر پای همه شان داغ شد. می دانیم که همیشه اصلاح طلبان حکومتی در این نوع مواقع به جلو می آیند که رژیمشان را نجات بدهند، با خطی مخالف خط خامنه ای. ولی بعد از جنگ ۱۲ روزه، بعد از سقوط بشار اسد در سوریه، بعد از شکستی که حماس و حزب الله و غیره متحمل شدند و بساط و دستگاه محور مقاومت حکومت در منطقه قطع شد، اتفاقی که افتاد این بود که خامنه ای و خط خامنه ای که نماینده این قضیه بود کاملاً زیر فشار قرار گرفت. نه از طرف جامعه - از نظر جامعه که کل حکومت زیر فشار است، مردم کل رژیم را نمی خواهند - ولی در خود صفوف حکومت عمود خیمه اسلام

جنبش زن، زندگی، آزادی و جهانی که می خواهد نفس بکشد

از صفحه ۳

افقی شد و دیگر کسی این سیاست ورشکسته را قبول ندارد. دو خردادی‌ها و صاحب نظران دو خردادی، آنهایی که واقع بین تر و آینده نگرترند، الان دارند استراتژی خامنه‌ای را زیر سؤال می‌برند. حتی سرداران سپاه اعلام کردند که میلیاردها دلار که خرج سوریه کردیم چه شد؟ چرا عکس العملی نشان ندادیم؟ روسیه کجاست؟ روسیه‌ای که قرار بود از ما دفاع کند کجاست؟ اینها بحث‌های درون خود حکومت نه فقط از جانب دو خردادی‌ها، بلکه از جانب بخش‌هایی از خود سران سپاه و بسیج و نیروهای اصول‌گرا است. به این ترتیب خامنه‌ای به موضعی کاملاً دفاعی افتاد و به نعل به میخ زدن‌ها شروع شد که مذاکره شرافتمندانه نیست، بعد مذاکره می‌کنیم و نمی‌کنیم و غیره. از یک سو عراقچی و پزنشکیان را می‌فرستد قاهره و نیویورک و از سوی دیگر سخترانی می‌کند که مذاکره ضرر است و توافق بدر نمی‌خورد و غیره. اینها همه نشان‌دهنده این بلاتکلیفی و سردرگمی و نوسانات حکومت است.

اساس قضیه این است که آنچه هر دو جناح از آن هراس دارند حمله اسرائیل یا تحریم‌ها نیست؛ بلکه این است که جامعه منفجر شود و همه بساطشان را جمع کند. راه حل جنگ اول، جنگ حکومت با دولت‌ها، هم جنگ دوم، جنگ مردم با رژیم است. این جنگ برای آن‌هم تعیین تکلیف می‌کند. وگرنه این شرایط تنش و این شرایط درگیری‌های نظامی و جنگ‌هایی که امروز دوباره احتمال تجدیدش بالا رفته، ادامه خواهد داشت. ما در همین دوره اعلام کردیم که هر صلح طلب واقعی باید سرنگونی طلب باشد و این واقعیت را داریم با چشم می‌بینیم. تا وقتی جمهوری اسلامی هست، این شمشیر جنگ هم بر فراز جامعه هست و حمله‌های ۲ روزه و پس فردا چندین و چند روزه و غیره اتفاق خواهد افتاد؛ بنابراین باید از ریشه قضیه را حل کرد، و از ریشه فقط جامعه ایران می‌تواند با سرنگونی جمهوری اسلامی مسئله را حل کند.

در مورد اهمیت جهانی انقلاب زن، زندگی، آزادی و سرنگونی حکومت به قدرت انقلابی مردم خیلی صحبت کرده‌ایم. در پلنوما و کنگره‌ها، در بیانیه‌های حزب و غیره و هنوز هم باید بر این تأکید کرد. الان طرح بیست ماده‌ای ترامپ مطرح شده است. کسانی که دستشان تا آرنج در خون مردم غزه است ناگهان شده‌اند قهرمان صلح! اینکه مذاکرات به کجا می‌رسد بحث دیگری است. ولی قضیه این است که برای اینکه صلح واقعی، صلح به معنی روابط انسانی و عادلانه در منطقه، برقرار شود باید جمهوری اسلامی را از منطقه حذف کرد و فقط انقلاب زن، زندگی، آزادی این قدرت را دارد، این خواست را دارد، این توان را دارد. ما همیشه گفته‌ایم که جواب کل جنبش تروریستی اسلام سیاسی - برای اینکه این جنبش را کاملاً حاشیه‌ای و از صحنه سیاست خارج کنید - این هست که جمهوری اسلامی سرنگون شود. همه می‌دانند محور این جنبش جمهوری اسلامی است. در یک کشور ۹۵ میلیونی اسلام سیاسی قدرت را در دست دارد و هیچ جای دیگری این‌طور نیست. تکلیف این را باید انقلاب ایران روشن کند. با سرنگونی جمهوری اسلامی جنبش اسلام سیاسی ضربه مهلکی می‌خورد و راه باز می‌شود برای حل انسانی مسئله فلسطین. طرح دو دولت و یا هر طرحی که بالاخره بر مبنای به رسمیت شناسی سرزمین فلسطین و تشکیل دو دولت متساوی‌الحقوق و سکولار در منطقه باشد. به این‌ها همه انقلاب ایران و جنبش زن، زندگی، آزادی می‌تواند جواب بدهد.

ولی من می‌خواهم امروز در یک سطح وسیع‌تری از نقش جهانی انقلاب ایران صحبت کنم. تأثیر انقلاب زن، زندگی، آزادی فقط این نیست. شما اگر به نقشه سیاسی دنیا نگاه کنید، در غرب و شرق، در به اصطلاح جهان سوم و جهان اول و هر تقسیم‌بندی که داشته باشید،

می‌بینید یک نقطه درخشان در کره ارض وجود دارد و آن ایرانی است که در آن جنبش عظیمی علیه نه فقط یک دولت بلکه علیه همه ارزش‌هایی که امروز بورژوازی جهانی در دست گرفته، و یا در واقع ضد ارزش‌ها، شکل گرفته است. در آمریکا هم شما امروز احترام به زن، زندگی، آزادی را نمی‌بینید. الان دولت آمریکا تعطیل شده. چرا؟ چون ترامپ و دولتش می‌خواهند بودجه بهداشت ریگان و بسیاری از خدمات بهداشتی و درمانی را قطع کنند. مردم و دموکرات‌ها دارند در برابر این سیاست مقاومت می‌کنند، در کنگره بر سر بودجه به توافق نرسیده‌اند و کل دولت تعطیل شده است. ولی فقط قضیه این نیست. یک فاشیسم رسمی، ترامپیسم در دنیا دارد حاکم می‌شود. راست افراطی در اروپا، در انگلیس و فرانسه و ایتالیا دارد زیر بیرق ترامپیسم پا می‌گیرد و این ترامپیسم نازیم قرن بیست و یک است. خوب کجای دنیا، کدام جنبش جواب این هست؟ من می‌گویم جنبش زن، زندگی، آزادی در ایران. زن، زندگی، آزادی فقط ضد جمهوری اسلامی نیست، ضد راسیسم است، ضد مذهب به‌عنوان یک صنعت است و این یعنی نقد سوسیالیستی مذهب. این را دارند مردم ایران در خیابان‌ها فریاد می‌زنند. منظورم این نیست که لزوماً خودشان را سوسیالیست می‌دانند؛ بلکه عملاً همان نقدی را به مذهب دارند، همان نقدی را به حکومت دارند، همان نقدی را به فاصله عمیق بین فقر و ثروت دارند که نقد سوسیالیست‌ها است. وقتی مردم شعار می‌دهند غنی‌سازی زندگی به ترامپ هم جواب می‌دهند. آنچه ترامپ دارد می‌زند و قطع می‌کند همین غنی‌سازی زندگی در آمریکا است. به نظر من وضعیت طوری است که سرمایه‌داری جهانی، بورژوازی بین‌المللی، حتی از لیبرال دموکراسی هم عقب نشسته و پرچم آزادی‌ها در دست ما است. در دست کمونیسم کارگری است. سوسیالیسم ما یعنی آزادی‌های بی‌قید و شرط، یعنی جامعه باز، یعنی تعهد به احترام و کرامت همه انسان‌ها مستقل از رنگ پوست، نژاد، مذهب محل تولد و غیره. ترامپیسم درست عکس این است.

ترامپ دارد تمام مقرراتی که در آمریکا مبنی بر پذیرش همه بخش‌های جامعه مستقل از نژاد و مذهب و گرایش جنسیتی و غیره وجود داشت را یک‌به‌یک لغو می‌کند و تأکید را برده است بر سر نژاد آنگلوساکسون و حتی طرفداران خودش. تمام رسانه‌هایی که حتی با زبان طنز از او انتقاد می‌کنند را دارد به دادگاه می‌کشد. برخی از این برنامه‌های تلویزیونی را تعطیل کرده و قصد دارد همه اینها را ببندد. پرچم آزادی بیان در دست سوسیالیست‌ها است و این سوسیالیست‌ها در ایران در خیابان‌اند. جای دیگری من سراغ ندارم. وقتی مردم ایران علیه فاصله بین فقر و ثروت شعار می‌دهند در واقع علیه آن الیگارشی مالی آمریکا که زندگی مردم آمریکا را تباہ کرده است هم شعار می‌دهند و علیه تمام جهان سرمایه‌داری که الان مالتی میلیاردرهای یک‌درصدی قدرت را در دست دارند.

جمهوری اسلامی نماینده وحشی‌ترین حکومت سرمایه در ایران است و در نتیجه انقلابی که در برابرش شکل گرفته، می‌شود گفت بنا به قانون عمل و عکس‌العمل، نماینده پیشروترین دستاوردهای بشریت است و این دستاوردها در خود جهان غرب که مثلاً پیشرفته‌ترین جوامع امروز هستند، زیر سؤال رفته. دارد یک‌به‌یک پس گرفته می‌شود. دارد به قهقرا می‌رود و تنها شمع و مشعلی که در این دوره فروزان است، انقلاب زن، زندگی، آزادی است. به این معنی باید گفت گرچه مردم ایران دست به انقلاب زده‌اند که از سر جمهوری اسلامی و همه مصائبی که این حکومت به مردم تحمیل کرده رها شوند؛ اما این فقط یک انقلاب سیاسی نیست، بلکه یک انقلاب اجتماعی - فرهنگی عمیق است که همه دنیا به آن نیاز دارد. نه فقط در جمهوری اسلامی بلکه در همه دنیا، نه فقط در منطقه بلکه حتی در خود غرب، همچنین علیه پوتین، علیه چین و هر جا که به اسم کمونیسم دارند ارتجاعی‌ترین سیاست‌های سرمایه‌داری را به پیش می‌برند،

جنبش زن، زندگی، آزادی و جهانی که می خواهد نفس بکشد

از صفحه ۴

انقلاب زن، زندگی، آزادی جواب است. البته نه آگاهانه. بسیاری از فعالین انقلاب این طور فکر نمی کنند؛ ولی مکان عینی و ابژکتیو جنبش زن، زندگی، آزادی این است.

انقلاب زن، زندگی، آزادی در کنه خودش به چالش کشیدن سوسیالیستی جوامع به قهقرا رفته سرمایه داری جهانی است. وحشی ترین نماینده این قهقرا جمهوری اسلامی است و با زدن این وحشی ترین نماینده سد شکسته می شود و طوفان و سیل آزادی خواهی، برابری طلبی، اینکه قدرت باید در دست مردم باشد، اینکه قدرت بالای سر مردم نمی خواهیم، سر بلند می کند و جنبش اشغال دوباره زنده می شود در شکل سیاسی و اجتماعی و خیابانی درستش. پیشروی و پیروزی انقلاب زن، زندگی، آزادی دروازه ای را در برابر جهان باز می کند، امیدی می بخشد نه فقط به کارگران نه فقط به محرومان بلکه به همه بشریتی که می بیند حتی دموکراسی لیبرالی را از دست داده است. می بیند حتی نمی تواند علیه رئیس جمهورش طنز بکار برد. می بیند به خاطر رنگ پوستش از توی خیابان ها می گیرندش و سوار هواپیمایش می کنند و به ناکجا آباد می فرستند. اتفاقی که دارد در آمریکا می افتد. مثل گشتابو درست کرده اند و افتاده اند بجان مکزیکی ها و مهاجرین و از مغازه و اداره و خیابان دستگیرشان می کنند و دیپورتشان می کنند. این جواب می خواهد و این جواب در دست ما است. در دست حزب ما و مهم تر از آن در دست جامعه بپا خاسته ایران است. به نظر من این مکان عینی انقلاب زن، زندگی، آزادی در دنیا است.

در این پلنوم در این مورد بیشتر صحبت خواهیم کرد که ضعف بی سابقه حکومت باعث شده است مسائلی نظیر آینده ایران چه می شود

و دوره گذار چه می شود روی میز بیاید. ما جواب تاکتیکی و جواب استراتژیک داریم. دوره گذار دوره ای است که باید انقلاب زن، زندگی، آزادی، با تشکل های امروزش، و با تشکل هایی که تا زمان سرنگونی ایجاد خواهد شد، در تعیین تکلیف جامعه نمایندگی بشود. فعالین انقلاب باید متحد شوند و در یک شبکه چتری سراسری سازمان پیدا کنند. بدون مردم ایران نمی شود و نباید قانون اساسی نوشت. بدون دخالت مردم ایران نمی شود دوره گذار را مدیریت کرد. این مردم ایران هستند که باید نقش مهم خودشان را ایفا کنند و این مردم در روند انقلاب زن، زندگی، آزادی متشکل شده اند.

این یک بخش پاسخ ما به شرایط بعد از سرنگونی است. بخش دیگر در مورد ایران آینده است. ایران آینده سوسیالیستی است. به این معنی که غنی سازی زندگی، محور قرار می گیرد، آزادی های بی قید و شرط محور قرار می گیرد. به رسمیت شناختن حق شهروندی برای هر کس که هر جای دنیا به دنیا آمده و در جغرافیای ایران کار و زندگی می کند محور قرار می گیرد. یعنی درست نقطه مقابل تمام گفتمان ها و ضد ارزش هایی که سرمایه داری جهانی بیرقش را بلند کرده است. ما ایران سوسیالیستی را تبدیل می کنیم به الگویی برای دنیایی که واقعاً می خواهد به آزادی برسد، به قول جنبش اعتراض به مرگ جرج فلوید، می خواهد نفس بکشد. مردم دنیا می خواهند نفس بکشند و انقلاب زن، زندگی، آزادی این امکان را فراهم می کند. حزب ما با تمام امکانات و قدرت خودش تلاش می کند که نه تنها در دوره گذار بلکه در نظام آینده ایران یک سوسیالیسم انسانی آزادی خواهانه و برابری طلبانه شاد و مدرن با تمام خواسته هایی که امروز مردم ایران مطرح می کنند پا بگیرد و مستقر بشود و نویدبخش آزادی و رهایی برای مردم جهان باشد و راه را باز کند برای خلاصی از شر ارتجاعی که امروز در حکومت های سرمایه داری همه دنیا را به زیر سلطه خود گرفته است.

۱۷ مهر ۱۴۰۴، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵

علیه قطع برق همه جا دست به اعتراض بزنیم!

رژیم در اوج درماندگی قرار گرفته است. ستون های حکومت یکی پس از دیگری فرو ریخته و ته دل همه مقامات کاملاً خالی شده است. وقت آن است که صفوفمان را متحدتر کنیم و به هر شکلی که می توانیم حکومت را همه جانبه زیر ضرب قرار دهیم. حکومت توان رویارویی همه جانبه با مردم متحد را ندارد، صفوفش کاملاً بهم ریخته و نیروهای سرکوبش نه روحیه سابق را دارند و نه توان مقابله گسترده با مردم. هم اکنون در برخی شهرها و شهرک ها تجمعات اعتراضی و شعاردهی علیه قطع برق شروع شده است. این اعتراضات را گسترش دهیم و از پرداخت قبض های آب و برق و گاز خودداری کنیم. اینها اشکالی عملی از مبارزه توده ای برای متحد شدن و فلج کردن حکومت است. در هر شهر و محله ای متحدانه دست به اعتراض بزنیم و تصمیم بگیریم که هیچ قبضی را نپردازیم. این کار ضربه اقتصادی قابل توجهی به دزدان حاکم و کاهش فشار هر چند اندکی بر زندگی ما مردم است. حکومتی که جریان برق و گاز و آب مردم را نمی تواند تضمین کند جایش در زباله دان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

قطعه‌نامه‌های مصوب پلنوم ۶۰ حزب کمونیست کارگری ایران

قطعه‌نامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد

امکان، مطلوبیت و مبرمیت سوسیالیسم در ایران

۱- شرایط و فضا و تحولات سیاسی امروز در ایران، و بن بست و فلج اقتصادی حکومت و ناتوانی‌اش در تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای معیشتی توده مردم، تغییر بنیادی نظام سرمایه‌داری در ایران را بیش از پیش به امری عاجل، ضروری، امکان‌پذیر، و مطلوب تبدیل کرده است.

۲- خصلت و مضمون مبارزات و جنبش‌های اجتماعی علیه جمهوری اسلامی، اساساً انسانی، مدرن، چپ و رادیکال است. شعارها و بیانیه‌ها و منشورهایی که علیه تبعیضات طبقاتی و با خواست اداره شورایی در جنبش‌های توده‌ای طرح شده و می‌شود، بیانگر خواست‌ها و اهداف عمیقاً انسانی و برابری طلبانه‌ای است که نه تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه با زیور شدن کل نظام سرمایه‌داری در ایران قابل تحقق است.

۳- ابر بحران بی‌آبی و بی‌برقی و تورم و گرانی نجومی و فزاینده که شرایط حاضر را برای توده مردم غیرقابل تحمل ساخته است، ناشی از بی‌لیاقتی و ناکارآمدی حکومت و مقامات دولتی نیست؛ بلکه نتیجه اهداف و اولویت‌های اقتصادی باندهای مافیایی حاکم است. "لیاقت و کارآمدی" این باندها خود را در ثروت نجومی و حساب‌های بانکی آیت‌الله‌های میلیاردی و سرداران سپاه و بسیج و بودجه‌های نجومی ارگان‌های نظامی و انتظامی و مذهبی حکومت نشان می‌دهد.

۴- سرمایه‌داری در جمهوری اسلامی در خدمت منافع اقلیت ناچیزی قرار دارد که با رانت حکومتی و اختلاس و دزدی و چپاول، ثروت‌های نجومی اندوخته است. این اقلیت چپاولگر در هیئت باندهای مافیایی نظیر بیت رهبری، سپاه و بسیج، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام، آستان قدس رضوی و غیره بخش اعظم سرمایه‌ها و منابع ثروت اعم از مستغلات و معادن و جنگل‌ها و آب و زمین و صادرات و واردات و مراکز تولیدی و تجاری و خدماتی را در اختیار دارد. بسیاری از بخش‌های دیگر سرمایه هم به طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با این باندها و مراکز حکومتی قرار دارند و بر این بستر می‌توانند فعالیت و سودآوری داشته باشند.

۵- فساد و دزدی و اختلاس و چپاول و قاچاق و رانت‌خواری و معافیت مالیاتی و رانت ارزی و معاملات و مزایده مناقصه‌های معماری شده و غیره جزئی از کارکرد نهادینه شده سرمایه‌داری در جمهوری اسلامی است. دار و دسته‌های مافیایی حاکم بر اقتصاد ایران حتی بنا بر مقررات و قوانین خود جوامع سرمایه‌داری، مجرم محسوب می‌شوند و باید اموالشان مصادره شود. این شرایط مصادره بخش اعظم سرمایه‌ها و منابع تحت مالکیت باندهای فاسد مافیایی و مراکز دولتی، را به امری ضروری و مطلوب و مقبول در افکار عمومی جامعه تبدیل کرده است.

۶- از تفاوت فاحش بین ثروت نجومی یک اقلیت ناچیز با فلاکت عمومی توده مردم گرفته تا ستم مذهبی، تبعیض جنسیتی، ستم ملی، نژادپرستی و قومی‌گرایی، نقض ابتدایی‌ترین حقوق مردم، سرکوب و دیکتاتوری، تخریب محیط‌زیست و غیره و غیره همه از نتایج و از ضروریات کارکرد نظام سرمایه‌داری در ایران هستند. علت و ضرورت تمام

این تبعیضات و ستم‌ها و فقر و سرکوبی که در جامعه بیداد می‌کند نهایتاً عبارت است از تأمین منافع عده معدودی سرمایه‌دار در باندهای مافیایی حکومتی و وابسته به حکومت که ثروتشان از پارو بالا می‌رود.

۷- جمهوری اسلامی ارتجاعی‌ترین، فاسدترین و چپاولگرترین حکومتی است که جامعه معاصر ایران به خود دیده است؛ ولی اختناق و دیکتاتوری و سرکوب و بی‌حقوقی کارگران و فقر و فلاکت پدیده مختص به جمهوری اسلامی نیست؛ بلکه در پایه‌ای‌ترین سطح در سودآوری سرمایه‌داری رشدنیافته ایران در بازار رقابت جهانی ریشه دارد. تاریخاً سرمایه‌داری در ایران از نظر انباشت سرمایه‌ها، از نظر تکنولوژی، از نظر ترکیب ارگانیک سرمایه، از نظر بارآوری تولید و غیره بسیار از جهان صنعتی عقب‌تر است و لذا ناگزیر است برای اینکه در صحنه جهانی، بخصوص امروز که سرمایه بیش از هر زمانی خصلت جهانی یافته است، قادر به رقابت و سوددهی باشد عقب‌ماندگی خود را با استثمار شدید جبران کند. دیکتاتوری و سرکوب عریان طبقه کارگر، سرکوبی که لاجرم به کل جامعه بسط پیدا می‌کند، از اینجا ناشی می‌شود. کارگر خاموش و نیروی کار ارزان از ضروریات سودآوری سرمایه در ایران است و از این رو هر نوع حکومت سرمایه‌داری در ایران نه تنها ناگزیر است تسمه از گردن کارگران بکشد، دستمزدهای چندین مرتبه زیر خط فقر را به کارگران تحمیل کند و تشکلهای و اعتراضات کارگری را درهم بکوبد، بلکه باید دهان همه را ببندد و هر مخالفت و اعتراضی را سرکوب کند. قلدرمنشی سلطنت‌طلبان حتی در اپوزیسیون، و رؤیای احیای دیکتاتوری آریامهری آنان، از این نیاز عینی سرمایه‌داری ایران نشئت می‌گیرد.

۸- از نظر منابع طبیعی و نیروی کار کشور ایران غنی است. این امکانات می‌تواند برای تأمین رفاه عمومی بکار گرفته شود. با حذف سودآوری به‌عنوان هدف و محور نظام اقتصادی، و لغو استثمار و بردگی مزدی مستلزم آن، می‌توان رفاه عمومی منطبق بر پیشرفته‌ترین استانداردها را برای عموم مردم ایران تأمین نمود.

۹- به رسمیت شناسی قانونی آزادی‌ها و ممنوعیت تبعیضات مذهبی و ملی و جنسیتی و نژادی شرط لازم تأمین رفاه و خوشبختی در هر جامعه‌ای است؛ ولی این به هیچ‌وجه کافی نیست. باید امکانات عملی استفاده از آزادی‌ها نیز تأمین شود. کارگر و زحمت‌کشی که نه وقت و نه بنیه مالی استفاده از آزادی‌ها و حقوق به رسمیت شناخته شده قانونی نظیر حق سفر و تفریح و آموزش عالی و برخورداری از آخرین امکانات پزشکی و غیره را ندارد، عملاً آزاد نیست. بدون لغو جبر اقتصادی و تولید با هدف تأمین رفاه عمومی، بسیاری از آزادی‌ها و حقوق به رسمیت شناخته شده برای بخش اعظم جامعه بروی کاغذ باقی خواهد ماند.

این شرایط سوسیالیسم را در چشم‌انداز جامعه قرار می‌دهد. حزب کمونیست کارگری اعلام می‌کند که جمهوری اسلامی، این هارترین و وحشی‌ترین حکومت سرمایه در ایران، باید آخرین حکومت سرمایه در ایران نیز باشد. ایران آزاد و برابر و مرفه تنها می‌تواند ایران سوسیالیستی باشد. حزب اعلام می‌کند:

الف- پیروزی نهایی انقلاب و رهایی توده مردمی که با انقلاب خود حکومت اسلامی سرمایه را به زیر کشیده‌اند مستلزم آن است که نظام سوسیالیستی در ایران برقرار شود. ارکان نظام سوسیالیستی عبارت است از آزادی، برابری و رفاه برای همگان. آزادی در سطح سیاسی و اجتماعی

جز مقابله و اعتراض هر روزه علیه تعرضات معیشتی حکومت و عقب زدن آن ندارند.

۳- هم اکنون در ایران اعتراضات بر سر معیشت در میان بخش‌های مختلف طبقه کارگر نظیر نفت و ماشین‌سازی‌ها و پرستاران و معلمان و همچنین در میان بخش‌های مختلف بازنشستگان به صورت هر روزه جریان دارد. اعتراضات بخش‌های مختلف طبقه کارگر در صف جلوی مبارزه بر سر معیشت، با خود گفتمان‌های رادیکال و برابری طلبانه را جلو آورده و فریاد برابری طلبی و لغو فاصله طبقاتی به کف خیابان آمده است.

۴- این شوک سهمگین اقتصادی، ابربحران‌های انرژی و پیامدهای مکانیسم ماشه می‌تواند با تشدید خشم کارگران و کل جامعه، به یک انفجار قدرتمندتر اجتماعی منجر شود.

باتوجه به این شرایط:

الف- مؤثرترین ابزار کارگران و معلمان و پرستاران و بخش‌های کارکن جامعه برای برونرفت از این وضعیت وخیم، «اعتصابات سراسری و متحدانه و هم‌زمان» است. با این مکانیزم است که می‌توان تعرضات حکومت و مافیای سرمایه‌داری به معیشت مردم را عقب زد.

ب- اعتصابات سراسری در یک بخش جامعه، و اتحاد و به هم پیوستن کارکنان بخش‌های مختلف تولیدی و صنعتی و خدماتی، کاملاً امکان‌پذیر و مؤثر و راهگشاست و می‌تواند افق تازه‌ای را در مقابل جامعه بگشاید.

پ- تشکلهای، نهادهای و رهبران و اکتیویست‌های کارگری - اجتماعی و تمامی فعالین انقلاب زن، زندگی، آزادی نقش مهمی در گفتمان‌سازی و سازماندهی برای اعتصابات سراسری هم‌زمان دارند و حلقه کلیدی برای شکل‌دهی به آن در شهرهای مختلف و در سطح کشوری هستند.

ث- اتحاد سراسری رهبران و اکتیویست‌های کارگری و کنشگران اجتماعی، علیه فقر و بی‌تامینی، و در برابر سرکوب و اعدام و بساط جنگ‌افروزی‌های حاکم می‌تواند پاسخی فوری و حیاتی به این نیاز و ایجاد آمادگی برای فراخوان‌های گسترده به اعتصابات سراسری هم‌زمان متناسب با شرایط کنونی باشد.

ج- اعتصابات سراسری در بخش‌های مختلف جنبش کارگری، فضا و زمینه را برای ورود بخش‌های دیگر جامعه از جمله دانشجویان، کسبه، وکلا، پزشکان، نویسندگان، هنرمندان و ارتقای اعتصاب سراسری کارگران به یک اعتصاب عمومی در کل جامعه فراهم می‌کند. اتفاقی که نقش مؤثری و تعیین‌کننده‌ای در تغییر توازن قوای سیاسی به نفع مردم به‌پاخاسته، درهم شکستن مقاومت طبقه حاکم و پیروزی انقلاب مردم ایفا می‌کند.

چ- پلنوم شصت حزب کمونیست کارگری تمامی تشکلهای، اکتیویست‌های کارگری - اجتماعی و تمامی فعالین انقلاب زن، زندگی، آزادی را به یک اتحاد سراسری برای شکل‌دادن به اعتصابات سراسری گسترده و هم‌زمان، به عنوان یک پاسخ فوری در مقابله با اوضاع مشقت‌بار معیشتی و شرایط خطیر سیاسی امروز فرامی‌خواند و جهت به پیروزی رساندن انقلاب زن، زندگی، آزادی بر آن تأکید می‌کند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهر ۱۴۰۴ - ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵



مدنی، برابری به معنی رفع و لغو تبعیض طبقاتی و همه تبعیضات، و رفاه به معنی تولید برای رفع نیازهای همه مردم.

ب- رایگان کردن کلیه خدمات پزشکی و درمانی، نظام آموزشی رایگان از مهدکودک و مدارس ابتدایی تا عالی‌ترین سطح تحصیلات دانشگاهی، و ترانسپورت رایگان شهری از اولین اقدامات جمهوری سوسیالیستی برای تأمین رفاه عموم مردم است.

پ- هر شهروند حق دارد از بدو تولد از حقوق پایه مکفی برای تأمین زندگی خود برخوردار باشد. حقوق پایه مستقل از شغل و موقعیت اقتصادی افراد به آنان تعلق می‌گیرد.

ت- بودجه اقدامات رفاهی فوری از محل بودجه‌های کلان پروژه‌های نظامی و امنیتی، کمک‌های میلیاردی به نیروهای نیابتی، مراکز مذهبی و ارگان‌ها و دارودسته‌های سرکوب، یعنی هزینه‌های نجومی کلیه مراکز و دستگاه‌های پلیسی - نظامی - مذهبی - اطلاعاتی حکومت که ملغی شده است، تأمین می‌گردد.

ث- خلع‌ید سیاسی از جمهوری اسلامی عملاً با خلع‌ید اقتصادی از بخش عمده سرمایه‌داران در ایران همراه است. سرنگونی جمهوری اسلامی به معنی انحلال شرکت‌ها و کارتل‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی که متعلق به باندهای مافیایی حکومتی هستند نیز هست. این دارودسته‌ها باید به جرم دزدی و اختلاس و چپاول به محاکمه کشیده شوند و اموال و سرمایه‌های آنها به نفع مردم و در خدمت رفاه عمومی مصادره شود. اداره و مدیریت این منابع و مراکز تولیدی به عهده شوراهای مردم است.

ج- خلع‌ید اقتصادی فوری دارودسته‌های مافیایی حکومت نقطه آغاز روند امحای سرمایه‌داری در ایران است. در جمهوری سوسیالیستی بخش‌ها و رشته‌های مختلف تولیدی و خدماتی به تدریج از سلطه سرمایه‌ها خارج می‌شود و تحت کنترل و مدیریت شوراهای قرار می‌گیرد.

چ- از نظر سیاسی و اجتماعی تضمین آزادی‌های بی‌قید و شرط و تأمین امکان برخورداری از این آزادی‌ها برای عموم مردم، به رسمیت‌شناسی حقوق انسانی و برابر برای شهروندان و امکان استفاده از این حقوق، یک امر و هدف محوری جمهوری سوسیالیستی است.

ح- از نظر اقتصادی هدف سوسیالیسم عبارت است از امحای نظام سرمایه‌داری و ممنوعیت بردگی مزدی و استثمار، لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و رفع تبعیض طبقاتی و کلیه تبعیضات مذهبی و ملی و نژادی و جنسی و جنسیتی که ریشه در تبعیض طبقاتی دارد.

قانون اساسی ایران بعد از جمهوری اسلامی باید بر مبنای موازین و سیاست‌های فوق تدوین و تصویب شود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ مهرماه ۱۴۰۴، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵

قطعه‌نامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد

جنبش کارگری

و ضرورت اعتصابات سراسری گسترده و هم‌زمان

۱. ابربحران‌های عمیق انرژی و اقتصادی که شامل بی‌آبی و بی‌برقی و کمبود گاز، تورم و گرانی کمرشکن است، زندگی اکثریت مردم در سراسر جامعه را به لبه پرتگاه کشانده است. تحریم‌های گسترده‌ای که با فعال کردن "مکانیسم ماشه" در چشم‌انداز است، قطعاً ضربه مهلک‌تری به معیشت مردم وارد خواهد کرد.

۲- کارگران و کل مردم برای ادامه زندگی حتی در سطح حداقل آن، راهی

قطعه‌نامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در مورد

بن‌بست جمهوری اسلامی

۱- نظام جمهوری اسلامی بر پایه یک تناقض بنا شده است: تناقض میان غرب‌ستیزی با ملزومات جهانی کارکرد سرمایه در ایران و تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای معیشتی مردم. ویژگی اصلی شرایط سیاسی امروز ایران این است که این روند که از بدو به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی تا امروز ادامه داشته است اکنون به انتهای خود رسیده است و دیگر قابل ادامه نیست. این تناقض تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی می‌تواند حل شود.

۲- با سقوط رژیم اسد و ضربه خوردن و تضعیف شدید نیروهای نیابتی رژیم، اکنون پروژه هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم به محور تنش بین دول غرب و جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این کشاکش می‌تواند به تسلیم جمهوری اسلامی و تن دادن به شرایط دول غربی، و یا برعکس، به مقاومت در برابر شرایط غرب و تداوم برنامه هسته‌ای و موشکی، و در نتیجه تشدید تحریم‌ها و تهاجم نظامی دیگری منجر شود. مواضع و گفته‌های ضدونقیض خامنه‌ای و سایر مقامات حکومتی نشانه بلاتکلیفی و کشاکش جناح‌های حکومتی بر سر این دوراهی است. در هر دو حالت رژیم در مقابله با جنبش انقلابی مردم به موقعیتی ضعیف‌تر و درمانده‌تر و بحران‌زده‌تر رانده خواهد شد.

۳- تن‌دادن جمهوری اسلامی به شرایط تروئیک و آژانس اتمی و فعال‌شدن مکانیسم ماشه نشانه دست بالا پیدا کردن خط مقاومت در برابر دول غربی و ادامه سیاست غرب‌ستیزی در جمهوری اسلامی است. این امر از یک‌سو با تشدید تحریم‌های اقتصادی شرایط معیشتی توده مردم را به مراتب وخیم‌تر و غیرقابل تحمل‌تر می‌کند و از سوی دیگر به انزوای بیشتر حکومت در دنیا منجر می‌شود، به فضا و تنش جنگی دامن می‌زند و حمله نظامی را محتمل‌تر می‌سازد.

۴- از یک‌سو حکومت قادر نیست از استراتژی غرب‌ستیزی و ملزومات آن، پروژه هسته‌ای و تقویت نیروهای اسلامی ضد غربی - ضد اسرائیلی در منطقه و موشک‌های بالستیک و کلاً برنامه موشکی خود، دست بکشد. این امر هم به‌خاطر نفی هویت و مبانی استراتژیک حکومت و هم از نظر تناقض با منافع باندهای مافیایی حکومت که در شرایط تحریم و انزوای اقتصادی رژیم شکل گرفته و ثروت نجومی و سلطه خود بر بخش اعظم اقتصاد ایران را مدیون غرب‌ستیزی حکومت هستند، با نفس موجودیت و ساختار جمهوری اسلامی مغایر است.

از سوی دیگر شکست و ورشکستگی نظامی - سیاسی خط مقابله با آمریکا و اسرائیل، و فلج کامل و ابربحران‌های اقتصادی، بی‌آبی و بی‌برقی و تورم و گرانی فزاینده، ادامه این شرایط را برای حکومت بسیار دشوار کرده است. رژیم در موقعیت باخت‌باخت قرار گرفته است.

۵- تناقضات پایه‌ای رژیم در کشمکش‌های جناحی حکومت نیز بازتاب می‌یابد. از نظر خامنه‌ای و اصول‌گرایان وفادار به او، همانطور که اخیراً عراقچی اعلام کرد، جنگ در مقایسه با دست‌شستن از پروژه هسته‌ای زیان کمتری دارد. جناح خامنه‌ای امیدوار است و تلاش می‌کند جنگ و فضای جنگی و تشدید تحریم‌ها جامعه را به استیصال و تلاش برای قوت‌لایموت بکشاند و اعتراضات و مبارزات را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. در مقابل، اصلاح‌طلبان بقای نظام را با ادامه سیاست‌های ضد غربی ناممکن می‌دانند. این جهت‌گیری در تأکید ظریف بر تغییر پارادایم ضدآمریکایی، در بیانیه موسوی و جبهه اصلاحات، و حتی سخنان روحانی به‌روشنی اعلام شده است. این عملاً به معنی گذار از خامنه‌ای است.

۶- تحولات پس از ۷ اکتبر موقعیت خامنه‌ای در میان صفوف حکومت را بسیار تضعیف کرده است. این امر به نوبه خود عامل مهمی

در به‌هم‌ریختگی و بی‌افقی حکومت و عدم انسجام اظهارات و موضع‌گیری‌های مقامات حکومتی است.

۷- فلج و بن‌بست اقتصادی که خود را در ابربحران‌های بی‌آبی و بی‌برقی و تورم نجومی و سقوط آزاد ارزش ریال و تعطیلی گسترده فعالیت‌های تولیدی نشان می‌دهد گرچه در نتیجه شرایط جنگی و تشدید تحریم‌ها حادث شده است؛ ولی حاصل سیاست‌های جمهوری اسلامی است. جنگ و تحریم خود در سیاست‌های ضد غربی حکومت ریشه دارد. بحران اقتصادی معیشتی امروز نتیجه سرمایه‌داری دزد سالار و فاسدی است که خود در انزوای جهانی حکومت شکل گرفته است. هر نوع سازش و یا تسلیم به شرایط غرب در بن‌بست اقتصادی حکومت و وضعیت فلاکت‌بار معیشتی توده مردم بهبودی نخواهد داد.

۸- در شرایط حاضر هدف غرب توقف پروژه هسته‌ای و آمریکا - اسرائیل‌ستیزی و روآوری حکومت به تعامل با غرب است. آمریکا و اسرائیل و کل دول غربی می‌توانند به یک جمهوری اسلامی هرس شده از سیاست و جهت‌گیری ضدآمریکایی - ضد اسرائیلی رضایت بدهند. اما آنچه این تغییر جهت اساسی را برای حکومت بسیار خطرناک و دشوار می‌کند موقعیت رژیم در خود ایران است. استراتژی مرگ بر شیطان بزرگ برای حکومت از همان مقطع تسخیر سفارت آمریکا اساساً کاربرد سرکوب و عقب‌راندن مبارزات مردم را داشته است و به‌ویژه امروز که رژیم با جنبش عظیم زن، زندگی، آزادی مواجه است این تغییر ریل عملاً تیرخلاص به پیکر نیمه‌جان حکومت و نظام حاکم خواهد بود.

۹- در چنین شرایطی انقلابی که با جان‌باختن مهسا ژینا امینی در شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد در ابعاد یک جنبش سرنگونی‌طلبانه رادیکال و گسترده با پرچم زن، زندگی، آزادی ادامه دارد. انقلاب و جنبش زن، زندگی، آزادی تا همین‌جا نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دادن به روند تحولات، رابطه جمهوری اسلامی با غرب، موقعیت منطقه‌ای رژیم، و کشاکش جناح‌ها داشته است و این جنبش است که در نهایت جمهوری اسلامی را زیر بار تناقضاتش خرد خواهد کرد و به آینده جامعه شکل خواهد داد. منشورها و بیانیه‌ها و شعارها و تشکل‌ها و نهادهای فعال در جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، نیروی تعیین‌کننده نه‌تنها در سرنگونی جمهوری اسلامی، بلکه در دوره گذار و در شکل‌دادن به آینده ایران خواهند بود.

با توجه با نکات فوق حزب بر نقش تعیین‌کننده انقلاب زن، زندگی، آزادی، دستاوردهای سیاسی و تشکیلاتی‌اش و برافراشته نگاه‌داشتن پرچم این انقلاب تأکید می‌کند و برای هماهنگی و همراه کردن فعالین و نهادهای کوشنده در جنبش زن، زندگی، آزادی در همه عرصه‌های مبارزه در خارج و داخل کشور و حمایت این نهادها از بیانیه‌ها و فراخوان‌های یکدیگر و انتشار بیانیه‌های مشترک تلاش می‌کند.

حزب با تمام توان خود برای نمایندگی شدن صف انقلاب در دوره گذار و تعیین تکلیف نظام بعدی می‌کوشد و تشکیل یک سازمان چتری سراسری از جمع‌ها و نهادها و شوراها و شبکه‌های فعال در انقلاب زن، زندگی، آزادی را به‌منظور تقویت هرچه بیشتر این جنبش در روند سرنگونی حکومت و تضمین نقش مستقیم مردم در دوره گذار و آینده سیاسی جامعه در دستور کار خود قرار می‌دهد.

حزب با تأکید بر خلع‌ید اقتصادی از باندهای مافیایی حکومت و سپردن کنترل و اداره سرمایه‌ها و منابع و مراکز تولیدی و اقتصادی آنها به مردم متشکل در شوراها و تشکل‌های نوع شورایی در فردای سرنگونی حکومت، اعلام می‌کند سوسیالیسم تنها راه ازین‌بردن شکاف عظیم طبقاتی بین فقر و ثروت و برقراری آزادی و برابری و رفاه در ایران بعد از جمهوری اسلامی است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهر ۱۴۰۴ - ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵

قطعه‌نامه مصوب پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در مورد

ایران و خاورمیانه در میانه دوروند تاریخی

با در نظر گرفتن شرایط پرتحول منطقه خاورمیانه و جایگاه ایران در آن، آینده منطقه خاورمیانه در میانه دوروند تاریخی معینی با سه فاکتور در حال رقم خوردن است. از یک سو روندی که در آن، جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش با هویت و رویکرد غرب‌ستیزانه‌اش قرار دارند، همچنین دولت‌های غربی و اسرائیل که هدفشان تأمین هژمونی سیاسی به نفع کمپ غرب، تثبیت شرایط موردنیاز در خاورمیانه برای تداوم استیلای سیاسی خود است و از سوی دیگر، روندی از پایین که با انقلاب «زن»، زندگی، آزادی» در ایران به اوج خود رسیده و مبارزات سرنگونی طلبانه مردم ایران را در کیفیتی متفاوت نسبت به دوره‌های قبل در برابر جمهوری اسلامی به میدان آورده است.

۱. در یک افق تاریخی، سرمایه‌داری جهانی و مشخصاً دولت‌های غربی در دوره جنگ سرد، در تقابل با رقیب خود - سرمایه‌داری دولتی شوروی - و برای سد کردن راه نفوذ کمونیسم و جنبش‌های چپ و کارگری، جریان اسلام سیاسی را به صورت سیاسی، نظامی، اقتصادی و تبلیغی تقویت کردند. حمایت از خمینی و جمهوری اسلامی در ایران، پشتیبانی از مجاهدین اسلامی در افغانستان، و میدان دادن به جریان‌های اسلامی در ترکیه، الجزایر و دیگر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، استراتژی بود که به «دکترین کمربند سبز» نیز شهرت یافت. گرچه این دکترین با فروپاشی شوروی عملاً موضوعیت خود را از دست داد؛ اما جنبش اسلام سیاسی و سهم‌خواهی نیروها و دولت‌های اسلامی در فضای بعد از پایان جنگ سرد و در مقابله با کمپ غرب، نقش و موضوعیت تازه‌ای یافت.

۲. با تسخیر سفارت آمریکا به وسیله جمهوری اسلامی، گفتمان و تبلیغات ضد شیطان بزرگ و رژیم اشغالگر قدس اساساً برای سرکوب انقلاب ۵۷ و جلوگیری از ادامه آن که سر باز ایستادن نداشت، و سپس با هدف سرکوب جنبش سرنگونی طلبانه گسترده‌ای که علیه خود رژیم از همان ابتدا و مشخصاً بعد از ختم جنگ ایران و عراق در جامعه سریلند کرد، به سیاست محوری حکومت تبدیل شد.

۳. اکنون اما پروسه رویارویی جمهوری اسلامی و غرب به نقطه تعیین‌کننده‌ای رسیده است. جمهوری اسلامی پس از شروع انقلاب زن، زندگی، آزادی و علی‌رغم سرکوب خونین مردم، بیش‌ازپیش با خطر سرنگونی مواجه شد و به ناگزیر بیش‌ازپیش روی ماجراجویی و جنگ‌افروزی منطقه‌ای مبتنی بر برنامه‌های هسته‌ای، موشکی و پهپادی و نیروهای نیابتی و "عمق راهبردی" برای عقب راندن جنبش سرنگونی حساب باز کرد. انقلاب زن، زندگی، آزادی نشان داد که تنش میان اسلام سیاسی و کمپ غرب در منطقه خاورمیانه، امروز نه صرفاً در کشمکش نظامی یا مداخلات دیپلماتیک با جمهوری اسلامی، بلکه در دل جامعه ایران و در مبارزه و پیروزی مردم در انقلابشان برای آزادی و برابری تعیین تکلیف خواهد شد. با عروج مجدد توده‌های انقلاب زن، زندگی، آزادی و پیروزی آن، با نابودی یک پای اصلی این کشمکش یعنی جمهوری اسلامی، کل این تنش دیگر موضوعیت خود را از دست خواهد داد.

۴- تقابل اسلام سیاسی با محوریت جمهوری اسلامی علیه غرب و مشخصاً آمریکا و اسرائیل بر مبنای مسئله فلسطین و به بهانه و توجیه حق خواهی مردم فلسطین شکل گرفته است. با عروج اسلام سیاسی مسئله فلسطین که از آغاز ایجاد کشور اسرائیل تا امروز نقش مهمی در تحولات و بی‌ثباتی خاورمیانه داشته است، از چارچوب حق خواهی مردم آواره فلسطینی برای زندگی در سرزمینشان خارج و حاشیه‌ای شد و مسئله تقابل اسلام و یهودیت به جلوی صحنه رانده شد. قدرت‌گیری راست

مذهبی (حزب لیکود و نتانیاهو) آن روی سکه عروج اسلام سیاسی است. هر دو قطب مسئله فلسطین را در قالب تقابل اسلام و یهودیت تحریف و هایچک کردند، راه‌حل دو دولت را کنار گذاشتند و نابودی یکدیگر را هدف قرار دادند.

۵. در دوره حاضر در منطقه خاورمیانه، بلوک آمریکا و دول اروپایی و اسرائیل در برابر بلوک روسیه، چین و دیگر کشورهای پیمان بریکس و جمهوری اسلامی که به این بلوک متعلق است قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، تقابل چند ده‌ساله اخیر بین دول غرب و جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش، اکنون به جزئی از تناسب قوا و کشمکش بین این دو بلوک تبدیل شده است. در همین راستا، بلوک آمریکا، دولت‌های اروپایی و اسرائیل در پی تثبیت و گسترش هژمونی سیاسی اقتصادی خود و تقابل بانفوذ چین و روسیه در منطقه خاورمیانه است. نظم نوین خاورمیانه، خاورمیانه جدید، پیمان ابراهیم یا سرمایه‌گذاری‌های کلان، بلندمدت و استراتژیک، همگی در جهت تثبیت و گسترش هژمونی سیاسی اقتصادی این بلوک و تقویت این روند موضوعیت دارند. اما مانع اصلی بر سر راه این طرح‌ها همچنان مسئله حل نشده فلسطین است. تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط می‌شود هدف آمریکا و دول اروپایی و همچنین دولت اسرائیل به تسلیم کشیدن جمهوری اسلامی و مهار او به نیروی در چارچوب سیاست‌های غرب است.

۶. جمهوری اسلامی با توجه به هویت سیاسی - ایدئولوژیک آمریکاستیز، غرب‌ستیز و سیاست نابودی اسرائیل، و نیز موقعیتش در برابر مردم سرنگونی طلب در داخل کشور هرگونه عقب‌نشینی بنیادین از سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای‌اش را یک خطر جدی برای بقای سیاسی خود می‌داند. جمهوری اسلامی، علی‌رغم همه تقلای دولت‌های غربی که برای سالیان طولانی برای سازش و مهار آن کرده‌اند، حاضر به سازش یا عقب‌نشینی بنیادین از سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای خود نیست و همچنان روی فعالیت‌های تروریستی و جنگ‌افروزان‌اش به مثابه فاکتوری مهم برای بقای سیاسی خود حساب می‌کند. اما بعد از ۷ اکتبر و بخصوص جنگ ۱۲ روزه، هم موقعیت خامنه‌ای به عنوان سردمدار این خط بسیار تضعیف شده و هم رژیم اهرم‌های عملی پیشبرد این سیاست را از دست داده است. در این شرایط ادامه خط غرب‌ستیزی، کشاکش جناح‌های حکومت را حادثر و گسترده‌تر کرده و بحران همه‌جانبه حکومت را بیش‌ازپیش تشدید خواهد کرد.

۷. با آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی و شکننده‌تر شدن موقعیت جمهوری اسلامی در داخل و در عرصه بین‌المللی، حکومت برای بقای خود بیش‌ازپیش به ماجراجویی نظامی و تشدید تنش‌های منطقه‌ای متوسل شده است. هرچند که این رویکرد و تقلای جمهوری اسلامی در منطقه با پاسخ‌های سخت و کوبنده‌ای از طرف مشخصاً اسرائیل و در ادامه آمریکا مواجه شده و موقعیت درهم‌شکسته‌تری برای حکومت اسلامی و باقیمانده نیروهای نیابتی‌اش ایجاد شده است. بر همین مبنای جنایات حکومت علیه مردم معترض در داخل و اقدامات بی‌ثبات‌کننده‌اش در خارج، دوروی یک سکه‌اند و یک هدف را دنبال می‌کنند که آن هم عبارت است از تلاش برای بقا و حفظ قدرت.

۸. در برابر تلاش جریان‌های داخل حکومت و اپوزیسیون دست راستی برای بندوبست از بالا و مقابله با تغییرات انقلابی، مردم ایران مسیر دیگری را گشوده‌اند؛ مسیری چندین ساله از تیر ۷۸، اعتراضات ۸۸، دی ۹۶ تا آبان و دی ۹۸ که با انقلاب زن، زندگی، آزادی به نقطه عطف خود رسید. این انقلاب نه یک خیزش گذرا یا اعتراض محدود، بلکه روند عمیق و ریشه‌دار اجتماعی - سیاسی است که هدف مستقیمش سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی توسط مردم بوده است. جامعه ایران با این انقلاب، نه تنها علیه یک نظام سیاسی معین، بلکه علیه کل ساختار استبداد دینی،

مردم است که و زنان، جوانان، خانواده‌های دادخواه، کارگران، معلمان، دانشجویان، دانش‌آموزان، رنگین‌کمانی‌ها، بازنشستگان، هنرمندان و ورزشکاران و نویسندگان و وکلای پیشرو، مردمی که از تبعیض و ستم ملی رنج می‌برند و سایر بخش‌های تحت ستم، محرومیت و سرکوب عامل تعیین‌کننده این تحول تاریخی هستند.

در همین راستا:

الف. پیشروی انقلاب زن، زندگی، آزادی مهم‌ترین ابزار و مکانیزم واقعی و پایدار موجود در دستان مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و گشودن چشم‌اندازی نوین برای ایران و منطقه خاورمیانه است.

ب. حزب ما از نیروهای مترقی و از همه جامعه دعوت می‌کند که با همگرایی و همراهی، اتحاد و همبستگی، مبارزاتمان حول زن، زندگی، آزادی را به پیروزی برسانیم و بدیلی انسانی، سکولار و مترقی برای ایران و منطقه بسازیم. پیروزی زن، زندگی، آزادی و رسیدن به همه آرمان‌های آن تنها زمانی تضمین خواهد شد که مردم سرنگونی طلب و همه نیروهایی که در شکل‌گیری و پیشروی زن، زندگی، آزادی نقش داشته‌اند - از شهروندان، فعالین، گروه‌ها و تشکل‌ها تا سازمان‌ها و احزاب سیاسی - آلت‌رناتیو جمعی خود را ارائه دهند. این آلت‌رناتیو بر پایه دخالتگری مستقیم مردم و مشارکت فعال نیروهای اجتماعی و سیاسی بنا می‌شود؛ آلت‌رناتیوی که ضامن شکست نهایی جمهوری اسلامی و گشایش چشم‌اندازی نوین برای آزادی، برابری و رهایی در ایران و منطقه خواهد بود.

پ. پیروزی انقلاب زن، زندگی، آزادی نه فقط راه رهایی مردم ایران، بلکه ضربه‌ای تاریخی به اسلام سیاسی و جریان‌ات واپس‌گرا در سراسر خاورمیانه خواهد بود.

ت. سرنگونی جمهوری اسلامی نقشه سیاسی منطقه را تغییر خواهد داد و الهام‌بخش جنبش‌های سکولار، آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه در منطقه و جهان خواهد شد.

ث. حزب ما خود را متعهد می‌داند که با تمام توان در صف مقدم مبارزه مردم ایران برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی، برابری، رفاه و سکولاریسم بایستد و در عین حال در جهت همبستگی با مطالبات آزادی‌خواهانه و انسانی مردم منطقه گام بردارد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مهر ۱۴۰۴ - ۶ اکتبر ۲۰۲۵

تبعیض آمیز، مردسالارانه و سرکوب سازمان‌یافته برخاسته است. انقلابی که روند عمومی آن بر سکولاریسم، برابری جنسیتی، رفاه همگانی، آزادی و رهایی انسان تأکید دارد و مسیر بازتولید اسلام سیاسی و هر نوع دیکتاتوری را مسدود می‌سازد.

۹. پیشروی و پیروزی این انقلاب نه تنها شرایط سیاسی در ایران بلکه در کل منطقه را به نفع سکولاریسم و برابری‌طلبی و آزادی‌خواهی تغییر خواهد داد و شرایط مساعدی برای جارو شدن نیروهای اسلامی، نیروهای راست افراطی اسرائیل و زمینه مساعدی برای حل انسانی مسئله فلسطین فراهم خواهد آورد.

۱۰. ویژگی‌های تعیین‌کننده این انقلاب نسبت به تجربه‌های پیشین منطقه و از جمله انقلابات بهار عربی این است که از آغاز، پرچم سکولاریسم، برابری جنسیتی، لغو اعدام و رهایی و منزلت انسان را بلند کرده است. زنان در خط مقدم، با درهم‌کوبیدن آپارتاید جنسیتی و شکستن تابوهای فرهنگی و مذهبی، به نیروی الهام‌بخش و سازمان‌دهندگان اصلی این انقلاب بدل شده‌اند. جوانان با خلاقیت، شجاعت و پیوند با فرهنگ آزادی‌خواهانه جهانی، به موتور محرکه اعتراضات بدل شده‌اند. کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و اقشار فرودست با اعتصابات، اعتراضات و مبارزات پیگیر، این روند را به عمق زندگی اجتماعی کشانده‌اند. مناطق تحت ستم ملی نیز با مبارزه برای رسیدن به برابری و رفع تبعیض، انقلاب را به عرصه‌ای سراسری و همگانی تبدیل کرده‌اند.

۱۱. روند تاکنونی انقلاب زن، زندگی، آزادی در ابعاد و اشکال مختلفی صورت گرفته و دستاوردهای تاکنونی آن قابل بازپس‌گیری نیستند. چشم‌انداز پیش‌رو، انفجار اجتماعی، اعتراضات و اعتصابات سراسری و عروج مجدد خیابانی این انقلاب تا سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مردم، آینده‌ای سکولار، برابر و انسانی را نوید می‌دهد. آینده‌ای که در آن مردم بازیگر اصلی سرنوشت خویش خواهند بود. این مبارزه از پایین و پیروزی مردم با پرچم زن، زندگی، آزادی، امکان بازتولید اسلام سیاسی یا بازگشت هر نوع دیکتاتوری را ناممکن و یا به حداقل می‌رساند.

۱۲. بحران مشروعیت، فروپاشی اقتصادی، و شکاف‌های طبقاتی و اجتماعی، جمهوری اسلامی را به نقطه‌ای بی‌بازگشت رسانده است و حتی رویکرد و هویت غرب‌ستیزانه جمهوری اسلامی که اساساً حربه‌ای برای سرکوب مردم است نیز کارایی‌اش را از دست داده است. مهم‌ترین فاکتور در شرایط فعلی و رقم‌زدن تحولات تاریخ‌ساز در ایران، مبارزه سرنگونی‌طلبانه

صدها میلیارد دلار را حکومت صرف تأسیسات اتمی و موشکی و نیروهای نیابتی کرد تا هم در منطقه جنایت کند هم در داخل علیه مردم قدرت‌نمایی کند. از نظر اقتصادی نیز این هزینه‌های نجومی حاصل زحمات! آقازاده‌ها و آیت‌الله‌ها و انگل‌های حاکم نبود. از سفره مردم دزدیدند و رمق زندگی مردم را کشیدند تا این مخارج و همین‌طور حقوق‌های نجومی و دزدی‌ها و هزینه مؤسسات مذهبی و سرکوب را تأمین کنند. اکنون هزینه بازسازی این تأسیسات نبود و تخریب‌شده را بار دیگر قرار است از سفره مردم تأمین کنند. باید جلواش ایستاد. اعلام کنیم که تمام این بودجه‌ها تا ریال آخرش باید قطع شود. کل بودجه باید صرف رفاه مردم شود. مردم نه موشک می‌خواهند نه نیروی نیابتی و نه تأسیسات اتمی و غنی‌سازی اورانیوم. مردم غنی‌سازی زندگی بر باد رفته‌شان را می‌خواهند. لغو این هزینه‌ها را به گفتمان‌ها و شعارها و بیانیه‌هایمان اضافه کنیم و اعلام کنیم: نه به غنی‌سازی اورانیوم. زنده باید غنی‌سازی زندگی!

غنی‌سازی زندگی، حق مسلم ماست

معیشت، منزلت، حق مسلم ماست

بیانیه‌های صادره در پلنوم ۶۰ حزب کمونیست کارگری ایران

پیام پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

به یاد سمیه رشیدی که در قتلگاه زندان قرچک جان باخت

سمیه رشیدی، کارگر خیاطی که به جرم شرکت در انقلاب زن زندگی آزادی و شعارنویسی دستگیر شده بود را آن قدر شکنجه کردند و او را به تمارض متهم کردند و به بیماری‌اش اهمیت ندادند که در روز ۳ مهر ۱۴۰۴ جان باخت و نامش در کنار نام ده‌ها زندانی سیاسی دیگر چون بهنام محجوبی، بکتاش آبتین، جواد روحی، وحید صیادی‌نصیری، عادل کیان‌پور، هدی صابر، اکبر محمدی و شاهرخ زمانی در پرونده قتل‌های خاموش جمهوری اسلامی به ثبت رسید.

آنچه بر سمیه گذشت، داستان قتل خاموش زندانیان توسط جانینان اسلامی در زندان‌هاست که همچنان جریان دارد. سمیه آخرین مورد از قتل خاموش زندانیان است؛ اما پایان آن نیست. شکنجه جسمی و روحی، محرومیت از دارو و درمان، شرایط غیربهداشتی و اسفناک زندان‌ها، تجاوز به زندانی، تحریک زندانیان خطرناک علیه زندانیان سیاسی و انواع فشارهای دیگر، شیوه‌های جنایت‌کارانه حکومت در قبال زندانیان سیاسی و برای ارباب جامعه و عقب زدن جامعه از اعتراض و مبارزه است.

قتل سمیه با موجی از اعتراض در زندان‌ها و بیرون زندان‌ها پاسخ گرفته است. این اعتراضات باید گسترده‌تر شود و حزب کمونیست کارگری تلاش می‌کند صدای این اعتراضات در سطح جهان باشد. حکومت اسلامی به‌خاطر همه جنایاتش باید در سطح جهان بایکوت شود و سران آن در دادگاه‌های مردمی و بین‌المللی به محاکمه کشیده شوند. سرنگونی جمهوری اسلامی تنها راه پایان دادن به این چرخه جنایت و کشتار است.

جان‌باختن سمیه عزیز را به خانواده وی و به همگان تسلیت می‌گوییم و با یک دقیقه سکوت یادش را گرامی می‌داریم.

پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ مهرماه ۱۴۰۴، ۴ اکتبر ۲۰۲۵

بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران علیه اعدام

می‌توانیم و باید اعدام در ایران را متوقف کنیم!

اعدام مجازات نیست، قتل عمد و از پیش طراحی شده حکومتی است. در ایران، اعدام از این هم فراتر است؛ ابزار مستقیم سرکوب و ارباب جامعه، ابزار پاک‌سازی مذهبی و عقیدتی، ابزار نسل‌کشی و مصداق جنایت علیه بشریت است. هرگاه و هرجا حکومت در تنگناست و در حلقه اعتراض مردم قرار می‌گیرد، تعداد اعدام‌ها افزایش می‌یابد. امسال، جمهوری اسلامی که یکی از سخت‌ترین سال‌ها را داشت، فی‌الحال از مرز هزار اعدام یعنی کشتار روزانه تقریباً سه نفر گذشته و رکورد سی سال گذشته را شکسته است.

هراندازه حکومت اسلامی حاکم بر ایران رژیم اعدام و آدم‌کشی است،

جامعه ایران و به‌ویژه جنبش انقلابی زن زندگی آزادی جاری در آن ضد اعدام و جنایت دولتی و طرفدار زندگی است. به‌جرت می‌توان گفت که جنبش علیه اعدام در ایران یکی از فعال‌ترین و گسترده‌ترین جنبش‌های ضد اعدام در منطقه و جهان است. بیش از یک سال است که زندانیان در ده‌ها زندان سراسر کشور در یک حرکت بی‌سابقه هر سه‌شنبه علیه اعدام دست به اعتصاب می‌زنند. این "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" مورد حمایت وسیع اقشار مختلف جامعه از معلمان و کارگران تا هنرمندان و ورزشکاران قرار گرفته است. در ایران یک جنبش وسیع دادخواهی در جوش و خروش دائمی است که یک مسئله اصلی‌اش توقف اعدام‌ها و به دادگاه کشاندن همه سران جمهوری اسلامی و دست‌اندرکاران هزاران و هزاران اعدام در طول حیات ننگین این رژیم است. هم اکنون خواست اعدام نکنید همچون خواست‌های رفاهی و آزادی زندانیان سیاسی، به خواست اعتراضات وسیعی که روزانه جریان دارد تبدیل شده است. تا کنون در شهرهای مختلف کردستان و همچنین در سمیرم علیه اعدام اعتصاب عمومی برپا شده است. در خارج کشور نیز ایرانیان ساکن ده‌ها شهر بزرگ جهان منظمًا علیه اعدام‌ها به اعتراض برخاسته‌اند و بسیاری از اتحادیه‌های کارگری، تشکل‌های حقوق بشری، نهادهای بین‌المللی و همین‌طور بعضاً پارلمان‌ها و دولت‌های اروپایی با جنبش علیه اعدام در ایران همراهی کرده‌اند.

چنین جنبشی وسیع و گسترده علیه اعدام در ایران و در بین ایرانیان ساکن خارج کشور به طور بالقوه این ظرفیت را دارد که انجام هر اعدام توسط جمهوری اسلامی را بسیار بیش از گذشته پرهزینه و مخاطره‌انگیز کند و سرانجام خاکریز اعدام‌ها را همچون خاکریز حجاب از دست رژیم خارج کند. پلنوم شصت کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری همه فعالین کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویی و همه فعالین جنبش انقلابی زن زندگی آزادی را فرامی‌خواند تا وسیع‌ترین اتحاد علیه اعدام را در سراسر ایران و در خارج کشور شکل دهند. می‌توان و باید جنبش سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ایران را به یک جنبش محبوب و شناخته شده بین‌المللی تبدیل کرد. می‌توان همه جهان را متقاعد کرد که اعدام در ایران یک اقدام تروریستی جمهوری اسلامی علیه جامعه و مصداق جنایت علیه بشریت است و باید فوراً متوقف گردد.

جمهوری اسلامی در وحشت بقا دست‌وپا می‌زند و اعدام آخرین تکیه‌گاه اوست. بی‌تردید این رژیم و همه جنایات و اعدام‌هایش را به موزه وحشت و جنایت تاریخ خواهیم سپرد و با لغو مجازات اعدام به تاریخ قتل حکومتی در ایران پایان خواهیم داد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ مهرماه ۱۴۰۴، ۴ اکتبر ۲۰۲۵

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد سیاست فاشیستی اخراج و سرکوب آوارگان افغانستانی توسط جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی در ادامه سیاست‌های ضدبشری خود، پس از شکست مفتضحانه در جنگ ۲ روزه، مهاجرین افغانستانی را با ضرب و شتم و انواع اهانت و بدرفتاری و زیر پا گذاشتن عامدانه کرامت انسانی آنها آماج حمله قرار داد و یک فاجعه انسانی تمام‌عیار خلق کرد. جانان حاکم آسیب‌پذیرترین و بی‌دفاع‌ترین بخش جامعه، دو میلیون انسان پا در گریز و مستأصل را با اتهام‌زنی، نفرت‌پراکنی، پاپوش‌دوزی و پرونده‌سازی، با سناریوسازی‌های نخ‌نمای جاسوسی و معرفی آنها به‌عنوان مسبب مشکلات اقتصادی، همراه با ۸۰ هزار کودک به کمپ‌های اخراج فاقد ابتدایی‌ترین امکانات زیستی و بهداشتی فرستادند. حدود هفت هزار تن از این کودکان بدون سرپرست، بدون همراه و خانواده در مرزهای ناامن رها شده‌اند.

در تداوم این سیاست ضدبشری، اخیراً وزارت کشور و استانداری تهران دور دوم اخراج‌ها را تسریع کرده‌اند. نام‌نویسی. بخش بزرگی از کودکان با پیشینه افغانستانی در مدارس ممنوع گردید و همزمان به سمن‌ها و نهادهای مدافع حقوق کودکان، رسماً ابلاغ گردیده است که تحت هیچ عنوانی به سوادآموزی این کودکان که به دلیل بی‌شناسنامه بودن بخش اعظم کودکان کار و خیابان و کودکان زیاله گردی‌اند، نپردازند.

این رفتار فاشیستی نفرت‌انگیز از سوی بخش وسیعی از جامعه محکوم شده است. فعالان سیاسی و اجتماعی علیه سیاست‌های بی‌شماره و فاشیستی جمهوری اسلامی به میدان آمدند انتشار نامه‌های سرگشاده با امضای بیش از ۱۳۰۰ نفر از فعالین، هنرمندان و روزنامه‌نگاران و شهروندان ایران در اعتراض به رفتار شرم‌آور و ضدبشری پناهنده‌ستیزی جمهوری اسلامی روحیه اعتراضی جامعه و حس انسان‌دوستی و همبستگی انسانی در جامعه را به نمایش گذاشت. هشتمگ‌ها و بیانیه‌های محکومیت جمهوری اسلامی و انبوهی از همدردی و ابراز تنفر از رفتار شنیع جمهوری اسلامی گواه روشنی بر حس انسان‌دوستی مردمی است که بارها فریاد زده‌اند: مرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران.

پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، رفتار فاشیستی و نژادپرستانه جمهوری اسلامی علیه افغانستانی‌های مقیم ایران را شدیداً محکوم می‌کند ما قاطعانه اعلام می‌کنیم که هیچ انسانی غیرمجاز نیست! همه مردم شریف و آزادی‌خواه را به حمایت فعال از آوارگان افغانستانی فرامی‌خوانیم. این سیاست تفرقه‌افکنانه که بخشی از استراتژی بقای حکومت ننگین اسلامی است با قدرت مردمی که انقلاب زن زندگی آزادی را خلق کرده‌اند، باید تماماً شکست بخورد و خنثی شود. باید همه‌جا در مقابل برخوردهای غیرانسانی با افغانستانی‌ها ایستاد و به هر شکل ممکن از آنها حمایت کرد، در مدیای اجتماعی باید فضا را علیه فاشیسم ضد افغانستانی‌ها تنگ کرد. این بخشی از مبارزه برای متحدشدن و مقابله با حکومت سرکوبگر اسلامی است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهر ۱۴۰۴، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵

بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری سوسیالیسم یا بربریت!

آنچه بر جامعه و مردم ایران حاکم است، بدترین نوع توحش و بربریت سرمایه‌داری است. فقر و فلاکت‌کشنده، اعدام‌های هر روزه، یک‌هفته‌تازی دستگاه مذهب و خرافه، زندان‌هایی که پر از عزیزان مردم است، تبعیض و ستمگری بر بخش‌های مختلف مردم به بهانه‌های مختلف، تخریب محیط‌زیست و تحقیر و سرکوب و ناامنی زندگی عموم مردم. اساس این توحش از سیستم اقتصادی‌ای ناشی می‌شود که بر استثمار اکثریت مردم توسط اقلیتی یک‌درصدی استوار است. در این سیستم مردم اسیر فقر و بی‌احترامی و بی‌اختیاری و ناامنی مداوم هستند. زندگی انسانی در چنین سیستمی بی‌معناست. همه چیز زیر سیطره یک‌مشت دزد و جانی و عقب‌مانده اسلامی است که ارزشی برای زندگی و جان انسان‌ها قائل نیستند. این وضعیت می‌تواند و باید از اساس تغییر کند. ما مردم سزاوار زندگی و دنیای بهتری هستیم. زندگی شایسته انسان در این کشور می‌تواند با انقلاب ما مردم، با دست‌های ما مردم، و با اراده ما متحقق شود. قاتلان و اختلاسگران و میلیاردرهایی که با خون کارگران و مردم، و با استثمار و اختلاس و رانت‌خواری و مصادره و تصاحب ثروت‌های عمومی ارتزاق می‌کنند باید از رأس جامعه تماماً جارو شوند. جامعه‌ای برابر و آزاد و شاد و انسانی ممکن و مبرم و حیاتی است و این نه از بالای سر مردم، بلکه با دست‌های خود ما مردم می‌تواند ایجاد و برپا شود.

برای دستیابی به زندگی مرفه و شاد انسانی باید حکومت غارتگران اسلامی را سرنگون کرد، دست این طفیلی‌ها را از ثروت و امکانات این جامعه کوتاه نمود و نظامی بدون استثمار و بردگی مزدی، بدون فقر و محرومیت، بدون سرکوب و بی‌حقوقی و بدون دخالت مذهب در زندگی مردم سازمان داد. نظامی با بالاترین سطح رفاه عمومی و مبتنی بر برابری و آزادی‌های همه‌جانبه سیاسی و اجتماعی و عاری از هر گونه تبعیض.

باید ثروت‌ها و سرمایه‌های افسانه‌ای که در حال حاضر در دست سپاه، بیت رهبری، آستان قدس، بنیاد مستضعفان، نهادهای مذهبی و سایر نهادهای مافیایی است را به طور کامل مصادره کرد و تحت اداره شوراهای مردم و در خدمت رفاه مردم قرار داد. باید دست کلیه استثمارگران را از مؤسسات تولیدی و اقتصادی کوتاه کرد، استثمار را ممنوع نمود و اداره این مؤسسات را به مردم متشکل در شوراهای سپرد تا تولید بر اساس نیازمندی‌های جامعه سازمان داده شود.

هیچ راه دیگری برای حل معضلات عمیق اقتصادی به‌جز نابودی بردگی مزدی و نظام مبتنی بر سود یک اقلیت طفیلی وجود ندارد. ادامه سلطه سرمایه‌داری در ایران با هر شکل و ظاهری یعنی بربریت، یعنی تداوم فقر و نابرابری، تداوم انواع تبعیضات و ریاضت‌کشی اقتصادی و چنین نظامی راهی جز سرکوب خشونت‌بار و بی‌حقوقی برای اکثریت مردم نخواهد داشت. مردمی که هر روز دست به اعتصاب و اعتراض و خیزش می‌زنند، منشور و بیانیه منتشر می‌کنند، شعار می‌دهند و خواهان غنی‌سازی زندگی خود هستند اجازه نمی‌دهند که بار دیگر امکانات این جامعه در اختیار مفت‌خوران دیگری، این بار بدون ریش و عمامه، قرار گیرد. مردم خواهان پایان دادن به حکومت اقلیت و حکومت آقابالاسر هستند و انقلاب می‌کنند تا خود اداره تولید و خدمات و اداره سیاسی کشور و اداره همه چیز را خود به دست گیرند تا همه امکانات در خدمت رفاه عموم جامعه قرار گیرد.

سوسیالیسم موردنظر ما، یعنی عملی‌شدن آرزوهای قلبی و انسانی مردم. سوسیالیسم نظامی است با بالاترین سطح رفاه عمومی، بیشترین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و مدنی، عاری از هر نوع تبعیض و نابرابری، با مرزهای باز به روی دنیا و سیاست و جهت‌گیری مسالمت‌آمیز در

نه به جمهوری اعدامی!

منطقه و در جهان. نظامی مبتنی بر آخرین دستاوردهای علمی، تکنولوژیک، فرهنگی، اجتماعی، فلسفی و هنری جامعه بشری که تاریخاً در غرب ریشه دارد نظامی سرشار از شکوفایی، شادی و خوشبختی همگانی، نظامی که با مشارکت عموم مردم و به دست گرفتن قدرت توسط مردم عملی می‌شود. هیچ چیز در دوره پیشرفت‌های شگرف علم و تکنولوژی تولید و ارتباطات اجتماعی کنونی، منطقی‌تر از گام گذاشتن در جهت ریشه کردن کامل فقر و تمام تبعیضات طبقاتی و استثمار و ستمگری نیست. تحقق این امر منوط به آگاهی و باور ما مردم به قدرت خویش و عزم واقعی ما برای دستیابی به زندگی انسانی است که حق بی‌چون و چرای تک‌تک انسان‌هاست.

سرنگون باید جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهرماه ۱۴۰۴، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵

بیانیه پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی، صدای اعتراض جامعه

سه سال از قتل حکومتی ژینا (مهسا) امینی و آغاز جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» می‌گذرد. جنبشی که نه تنها خیابان‌های ایران را به لرزه درآورد، بلکه افق تازه‌ای بر سیاست جهانی گشود و بدیلی انسانی و رهایی بخش را مطرح کرد: بدیلی که زن، زندگی و آزادی را در مرکز مطالبات اجتماعی قرار داد.

تأثیرات عمیق و ماندگار این جنبش انقلابی در عرصه‌های مختلف جامعه، در گفتمان عمومی، فضای مجازی، و در اشکال متنوع اعتراضات و مقاومت اجتماعی همچنان ادامه دارد.

از آغاز جنبش «زن، زندگی، آزادی»، جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از کلیه ابزارهای سرکوب خود، شکنجه، پرونده‌سازی، تبعید و صدور احکام اعدام، فشار بر زندانیان سیاسی را تشدید کرد. پس از جنگ دوازده‌روزه میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل، این فشارها به دلیل وحشت از گسترش اعتراضات، باز هم شدت بیشتری گرفت.

در چنین شرایطی، زندان‌ها به یکی از مهم‌ترین سنگرهای مقاومت بدل

شده‌اند. زندانیان سیاسی، با وجود شرایط طاقت‌فرسا، حملات فیزیکی و روانی، و وخامت اوضاع زندان‌ها، باصلابت و جسارت صدای اعتراض خود را بلند کرده و مردم را به ادامه مبارزه علیه اعدام، فقر، تبعیض و سرکوب فرامی‌خوانند.

یکی از شاخص‌ترین اشکال این مقاومت، اعتصاب غذای سه‌شنبه‌های «نه به اعدام» است که از زندان قزل‌حصار آغاز شد و تاکنون ۵۲ زندان در سراسر کشور به آن پیوسته‌اند. این حرکت اعتراضی، به جنبشی سراسری و بی‌سابقه درون زندان‌ها بدل شده است.

زنان جسور زندان اوین که اکنون به زندان قرچک تبعید شده‌اند، نقش برجسته‌ای در این جنبش دارند. آنان نه تنها بخش مهمی از حرکت سه‌شنبه‌های «نه به اعدام» هستند، بلکه صدای شکست‌ناپذیر جنبش «زن، زندگی، آزادی» را از دل زندان‌ها به سراسر جهان رسانده‌اند.

در کنار آنان، خانواده‌های زندانیان سیاسی نیز با شجاعت تمام، صدای فرزندان خود و بازتاب‌دهنده خواست جامعه برای آزادی زندانیان سیاسی هستند. امروز، مطالبه آزادی زندانیان سیاسی بیش از هر زمان دیگری در میان مردم مطرح است و جایگاه برجسته‌ای در مبارزات اجتماعی یافته است.

دفاع از زندانیان سیاسی، نه تنها وظیفه‌ای انسانی است، بلکه بخش جدایی‌ناپذیر و کلیدی جهت پیشبرد جنبش برای توقف اعدام، تقویت مبارزات مردم علیه تبعیض و بی‌حقوقی و سرنگونی رژیم اسلامی به شمار می‌رود. صدای اعتراض شجاعانه زندانیان سیاسی، امروز در سراسر ایران طنین‌انداز است.

خواست آزادی فوری و بی‌قیدوشرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، باید به یک مطالبه وسیع و سراسری، و روزمره در جامعه تبدیل شود.

حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن درود به زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان، بار دیگر بر ضرورت تقویت جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی تأکید کرده و اعلام می‌دارد که از تمام ظرفیت‌های خود، چه در داخل کشور و چه در سطح بین‌المللی، برای جهانی کردن این خواست و تحقق آزادی فوری و بی‌قیدوشرط زندانیان سیاسی استفاده خواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهرماه ۱۴۰۴، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵

زنده باد انقلاب انسانی برای زندگی انسانی!

انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و تحزب و اعتصاب، یعنی حق بی‌چون و چرای تک‌تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شؤونات اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کم و کاست ما با ادامه انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای نمونه‌وار و آزاد را برپا خواهیم کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

اطلاعیه پایانی پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

داده‌اند قدردانی نمود.

حسن صالحی رئیس دفتر سیاسی حزب در سخنان کوتاه خود، ضمن اشاره به گزارش مفصل دفتر سیاسی حزب به پلنوم، گفت که در فاصله میان دو پلنوم، یکی از پربحث‌ترین دوره‌های فعالیت دفتر سیاسی حزب را پشت سر گذاشتیم. تحولات سیاسی در جامعه، از جمله جنگ دوازده‌روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی، از موضوعات مهمی بودند که بارها در جلسات دفتر سیاسی مورد بررسی قرار گرفتند. اگرچه این جلسات الزاماً به تصویب اسناد مشخصی منجر نشدند، اما نقش مهمی در غنای فکری و سیاسی حزب ایفا کردند؛ به‌ویژه از آن رو که شمار بیشتری از رفقا در این مباحثات شرکت داشتند و گزینه‌ها و آلترناتیوهای متعددی برای مسیر آینده حزب در عرصه‌های گوناگون ارائه شد.

کیان آذر در صحبت‌های خود به دوره چند ماه گذشته مابین دو پلنوم اشاره کرد که یکی از حساس‌ترین و پرتلاطم‌ترین شرایط سیاسی ایران و خاورمیانه بوده که به‌نوعی شروع آن با سقوط دولت بشار اسد در سوریه و نقطه پایان آن تا زمان برگزاری پلنوم، سومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و تقویت احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه علیه جمهوری اسلامی بود. در بطن این شرایط مهم سیاسی، سازمان جوانان کمونیست فعالیت‌ها و جهت‌گیری سیاسی - پراتیک - سازماندهی - تبلیغی خود را به طور مشخص بر مبنای پلتفرم و نقشه‌عمل‌های مصوب شورای مرکزی سازمان جوانان و استراتژی‌های مندرج در آن: برنامه‌ریزی و پیشبرد اقدامات لازم (سیاسی - سازماندهی - تبلیغی) در روند سرنگونی جمهوری اسلامی، مختصات فعالیت با محور «سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی توسط مردم»، با پرچم زن زندگی آزادی، پاسخگویی به وضعیت ابربحرانی جمهوری اسلامی در حین جنگ اسرائیل و حکومت، اداره جامعه با دخالت و مشارکت مستقیم مردم از طریق تشکل‌ها، گروه‌ها، فعالین، سازمان و احزاب سیاسی دخیل در انقلاب زن زندگی آزادی برای دوره و پس از سرنگونی و نابودی جمهوری اسلامی، ایجاد بسترهای لازم برای پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی و ارائه آلترناتیو سیاسی مبتنی بر مشارکت جمعی و مستقیم مردم، تشکل‌ها، گروه‌ها، فعالین، سازمان و احزاب سیاسی متعهد به زن زندگی آزادی، رویکرد دیجیتال به شبکه‌های اجتماعی و رسانه، پیش برده است. این پلتفرم و نقشه‌عمل‌ها، محورها، اهداف، سرفصل اقدامات و استراتژی‌های کلی پیشبرد فعالیت‌ها برای بخش‌های مختلف تشکیلات را که در ادامه تشریح می‌شود، تعیین می‌کند.

به دنبال این سخنرانی‌ها مسئولین کمیته‌های سازماندهی، کردستان، آذربایجان، خارج کشور، سازمان جوانان، مدیر تلویزیون کانال جدید، مسئولین مالی و همین‌طور بیست و پنج نفر از مسئولین سایر ارگان‌ها و عرصه‌ها گزارش فشرده‌ای از حوزه فعالیت خود ارائه دادند و اعضای کمیته مرکزی و همین‌طور کادرها و اعضای شرکت‌کننده در پلنوم نقطه‌نظرات و پیشنهادات خود را برای بهبود و گسترش فعالیت حزب ارائه دادند. گزارش فعالیت‌های گسترده ارگان‌ها و فعالین حزب حاکی از یک حزب شاداب و دخال‌تگر و روبهرشد در داخل و خارج کشور بود.

در این پلنوم چهار قطعنامه تحت عناوین: «بن‌بست جمهوری اسلامی»، «جنبش کارگری و ضرورت

پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۲ تا ۱۴ مهر ۱۴۰۴ (۴ تا ۶ اکتبر ۲۰۲۵) با حضور اعضا و مشاورین کمیته مرکزی برگزار شد. در این پلنوم که به‌صورت آنلاین - ویدئویی برگزار شد اعضا و کادرهای حزب نیز دعوت شده بودند. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم‌گیری‌های لازم با موفقیت به کار خود پایان داد.

حمید تقوایی در سخنرانی افتتاحیه خود محورهای شرایط سیاسی امروز را برشمرد و گفت پایه همه تحولات سیاسی در دوره اخیر نظیر جنگ و تنش‌های جنگی میان جمهوری اسلامی و غرب، جنگ مردم علیه حکومت است. او تأکید کرد جمهوری اسلامی اساساً برای سرکوب مردم به سیاست غرب‌ستیزی خود احتیاج دارد و این نفرت گسترده و جنگ مردم علیه حکومت است که برکل روند تحولات در ایران و مناسبات و کشمکش‌های جمهوری اسلامی با اسرائیل و دولت‌های غربی نیز تأثیر می‌گذارد. او در بخش دیگری از سخنان خود به اهمیت جهانی جنبش زن زندگی آزادی پرداخت و گفت در شرایطی که ترامپ و سربرآوردن نیروهای راست در کشورهای غربی نشانه دست‌کشیدن بورژوازی جهانی حتی از دموکراسی لیبرالی است، اهمیت انقلاب زن زندگی آزادی از جاروکردن اسلام سیاسی در منطقه فراتر می‌رود و غنی‌سازی زندگی و کرامت انسانی و آزادی‌های همه‌جانبه را به همه مردم دنیا از جمله در آمریکای تحت حکومت فاشیستی ترامپ، نوید می‌دهد.

به دنبال تصویب آیین‌نامه و دستور جلسات، اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارشی از فعالیت‌های حزب در داخل و خارج کشور ارائه داد. گزارش ارگان‌ها، فونکسیون‌ها و فعالین حزب در نهادها و کارزارهای مختلف در ۹۰ صفحه قبل از پلنوم به اعضا و مشاورین کمیته مرکزی ارسال شده بود. رئیس هیئت اجرایی حزب به موضع‌گیری‌های حزب در قبال مهم‌ترین تحولات سیاسی در این دوره و فعالیت‌های تبلیغی و میدانی حول آنها از جمله جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی، سومین سالروز انقلاب زن زندگی آزادی، نهادینه‌تر و گسترده‌تر شدن بی‌حجابی و موقعیت به‌هم‌ریخته‌تر صفوف حکومت اشاره کرد و تأکید کرد که سیاست‌های حزب و فعالیت‌های گسترده میدانی حزب در داخل و خارج به گسترش نفوذ سیاسی حزب و تحکیم رابطه حزب با فعالین جنبش‌های مختلف منجر شده است. او به بهبود فعالیت کمیته‌ها و فونکسیون‌های مختلف حزب اشاره کرد و اینکه این فعالیت‌ها با هارمونی بالایی انجام شده‌اند. او به نقش کمیته سازماندهی، سازمان جوانان، تشکیلات خارج کشور حزب، کانال جدید، کمیته کردستان و همچنین کارزارهای گسترده علیه اعداء، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و فعالیت اعضا و کادرهای حزب در عرصه‌های دیگر مبارزه اشاره کرد. در زمینه مالی اصغر کریمی توضیح داد که هر چند کمپین مالی سالانه حزب با جمع‌آوری ۱۵۱ هزار دلار با موفقیت کامل انجام شده و علی‌رغم کاهش برخی هزینه‌ها اما همچنین با بحران مالی مواجهیم. او از نقش مؤثر حمید تقوایی در پیشروی حزب و همین‌طور از تلاش شبانه‌روزی فعالین حزب در داخل و خارج کشور که در تحکیم اتحاد میان فعالین زن زندگی آزادی و شکل‌دادن یا تقویت ظرف‌های مبارزاتی نقش ویژه‌ای ایفا کرده‌اند و نفوذ سیاسی و تشکیلاتی حزب را گسترش

اطلاعیه پایانی پلنوم ۶۰ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
از صفحه ۱۴

سمیر نوری، کاظم نیکخواه و بابک یزدی.

پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی پایان یافت. او در این سخنرانی به جایگاه و اهمیت سیاسی پلنوم پرداخت و باتوجه به دخالت فعال اعضای کمیته مرکزی در بحث‌وبررسی اسناد و قرار و قطعنامه‌های ارائه شده، پلنوم را یکی از سیاسی‌ترین و پربارترین جلسات کمیته مرکزی دانست. او گفت پلنوم یک‌بار دیگر به‌روشنی نشان داد ما حزبی سیاسی هستیم که بر مبنای بحث و تبادل نظر و اقناع فعالیت می‌کنیم. او اظهار امیدواری کرد که در همه پلنوم‌ها و کنگره‌ها و جلسات دفتر سیاسی این روش و نظردهی فعال اعضا و کادرهای حزب همچنان ادامه پیدا کند. او همچنین در مورد مضمون مباحث و اسناد مصوب و بیانیه‌های پلنوم تأکید کرد که مهم‌ترین و عمده‌ترین موضوعات مطرح در شرایط حاضر، از مسئله جنگ و تنش‌های جنگی گرفته تا بن‌بست و درماندگی جمهوری اسلامی، و از شرایط جنبش کارگری و ضرورت اعتصاب سراسری تا بررسی موقعیت جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی در خاورمیانه، در مباحث و همچنین بیانیه‌های پلنوم عنوان شد، و اسناد مصوب سیاست و جهت‌گیری حزب در رابطه با آنها را تعیین کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ مهر ۱۴۰۴، ۱۰ اکتبر ۲۰۲۵

اعتصابات سراسری گسترده و هم‌زمان»، «امکان، مطلوبیت و مبرمیت سوسیالیسم در ایران» و «ایران و خاورمیانه در میانه دوروند تاریخی» به تصویب رسید. چندین بیانیه نیز تحت عناوین: «سوسیالیسم یا بربریت»، «به یاد سمیه رشیدی که در قتلگاه زندان قرچک جان باخت»، «می‌توانیم و باید اعدام در ایران را متوقف کنیم»، «بیرامون چشم‌انداز توقف کشتار و نسل‌کشی در غزه»، «در باره سیاست فاشیستی اخراج و سرکوب آوارگان افغانستانی توسط جمهوری اسلامی» و «زندانیان سیاسی، صدای اعتراض جامعه» در فواصل مختلف پلنوم قرائت گردید.

در مبحث انتخابات ابتدا حمید تقوایی به‌عنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و به دنبال آن ۲۵ نفر به‌عنوان اعضای دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند که عبارت‌اند از: کیان آذر، محسن ابراهیمی، عبدالله اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، پریسا پوینده، امیر توکلی، سهیلا دالوند، شهلا دانشفر، میلاد رابعی، هرمز رها، محمد شکوهی، شیرین شمس، میثم عتیق، مصطفی صابر، حسن صالحی، اصغر کریمی، ناصر کشکولی، عبدل گلپریان، نسان نودینیان،

پیش به سوی ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات

جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی قرار گرفته و صفوفش در حال به‌هم‌ریختن است. زمان آن فرارسیده است که همه‌جا خود را متشکل کنیم. شوراهای سازماندهی یک ضرورت عاجل در شرایط کنونی و یک شیوه مهم سازماندهی در همه کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی، و در محلات همه شهرها است. رژیم در ضعیف‌ترین موقعیت خود قرار گرفته و شرایط برای متشکل شدن از همیشه آماده‌تر است. شوراهای سازماندهی در نفت، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان الگوهای مناسبی برای ایجاد این شوراهای سازماندهی در همه مراکز کارگری و در محلات مختلف شهرها است. شوراهای سازماندهی اعتراضات ابزار مناسبی برای متحد نگه‌داشتن مردم و هدایت اعتراضات و اعتصابات است. ابزار مهمی برای متحد کردن و متشکل کردن مردم حول شعارهای آزادی‌خواهانه و متحدانه و جلوگیری از شعارهای انحرافی است. ابزار دخالت توده‌های وسیع مردم و ابزار مؤثری در ادامه‌کاری مبارزه است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری، جوانان معترض و همه بخش‌های جامعه را فرامی‌خواند که در هر شهر و محلی که می‌توانند، دست‌به‌کار ایجاد شوراهای شوند. حزب کمونیست کارگری از هر اقدام و ابتکار عملی در این راستا حمایت می‌کند و از تبادل نظر و شنیدن نظرات و پیشنهادات فعالین برای شکل‌دادن به شوراهای سازماندهی به گرمی استقبال می‌کند.

ابزار

حزب کمونیست کارگری ایران

دلایل حمایت جمهوری اسلامی از پذیرش طرح ترامپ توسط حماس

مهران محبی

جمهوری اسلامی هم امروز در موقعیت مشابهی مانند حماس و حزب الله و بقیه تروریست‌های اسلامی محور مقاومت قرار گرفته است و چاره‌ای جز پیمودن مسیر تسلیم در برابر اسرائیل و آمریکا و اروپا، و اجابت خواست گروه "جی ۷" و شورای همکاری خلیج فارس و غیره را ندارد و در غیر این صورت مورد حمله نظامی قرار خواهد گرفت.

رژیم اسلامی علی‌رغم به‌جان‌خریدن بازگشت تحریم‌های سازمان ملل و گرفتار کردن خود در عمیق‌ترین بانالاق اقتصادی طی ۴۶ سال گذشته که مابه‌ازای اجتماعی آن در آینده نزدیک مواجهه با انفجار جامعه و سر برآوردن خیزش‌های توده‌ای است، باید تن به تسلیم دهد. ترامپ مدام هشدار می‌دهد که اگر جمهوری اسلامی به همه خواست‌های او که حالا دیگر مورد حمایت اکثریت دولت‌های جهان هم هست تن ندهد به حمله نظامی اقدام خواهد کرد و دولت اسرائیل نیز تهدید می‌کند که اگر مجبور به حمله نظامی شود همه سران سیاسی و نظامی رژیم و حتی خامنه‌ای را خواهد کشت و این تهدیدات که بسیار جدی هستند سران حکومت را به وحشت انداخته است. می‌دانند که ترامپ و نتانیاهو این کار را خواهند کرد و همین حالا می‌بینند که چگونه حماس را مجبور به تسلیم کرده‌اند و می‌شنوند که با همان زبانی که از حماس می‌خواهند تسلیم شود، از جمهوری اسلامی هم می‌خواهند تسلیم شود. ترامپ تا روز قبل از شروع ورود هیئت‌های اسرائیلی و حماس به "شرم‌الشیخ" مصر حماس را بر سر دوراهی قرار داده بود که اگر با طرح صلح موافقت نکند خودش کار را تمام خواهد کرد. یعنی با تشدید حملات نظامی که به قیمت تشدید کشتار مردم غزه نیز تمام خواهد شد، حماس را از بین خواهد برد.

این نوع از تهدیدها حالا بر بالای سر سران جمهوری اسلامی سایه انداخته و نمی‌توانند خود را از آن رها کنند. باید کاری کنند که خطر عملی شدن تهدید حمله نظامی مجدد را خنثی کنند و به‌شدت هم در این راستا مشغول ارسال پیام‌ها و درخواست‌های مستقیم و غیرمستقیم برای راضی کردن ترامپ به ازسرگیری مذاکرات هستند. درست است که هم‌زمان با ارسال پیام‌های التماس آمیز کسانی مانند عراقچی به ترامپ و غرب مانند همیشه تندروترهای باند اصول‌گرایان زبان تهدیداتشان فعال است، ولی واقعیت میدانی نشان می‌دهد که تهدیدات تندروها برخلاف پیام‌های ملتمسانه عراقچی و مهاجرانی توخالی هستند.

تندروهایی مانند شریعتمداری، سران نظامی و امامان جمعه که قبل از فعال شدن مکانیسم ماشه تهدید می‌کردند که اگر مکانیسم ماشه فعال شود سپاه و ارتش تنگه هرگز را خواهند بست، هنوز نه سپاه و نه ارتششان جرئت نکرده‌اند هیچ اقدامی بکنند و این خود واضح‌ترین گواه توخالی بودن رجزخوانی‌هایی است که هنوز هم ادامه دارد.

واقعیت این است که سران رژیم هم مانند سران بازمانده حماس متوجه شده‌اند که اگر تسلیم نشوند قبل از اینکه حکومتشان سرنگون شود خودشان نابود خواهند شد. در نتیجه یکی دیگر از دلایل حمایت از پذیرش شکست توسط حماس می‌تواند این باشد که برای تن دادن خودشان هم به یک "پاسخ هوشمندانه" مشابه آنچه که حماس به ترامپ داد، تلاش کنند افکار دوروبری‌های خود را همسو کنند تا در صورت دادن "پاسخ هوشمندانه" احتمالی در آینده نزدیک به ترامپ و غرب مانع از ریزش شدید در درون ساختارهای سیاسی، نظامی و امنیتی حکومت شوند.

روزنامه اینترنتی دفتر خامنه‌ای بعد از اعلام پذیرش طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ برای پایان دادن به جنگ در غزه، روز سیزدهم مهر نوشت: "پاسخ حماس به طرح ترامپ هوشمندانه بود". کیهان شریعتمداری که آن هم در دست منویات خامنه‌ای را منتشر می‌کند و همچنین به فاصله چند روز فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت موضع مشابهی نسبت به عقب‌نشینی و پذیرش شکست حماس گرفته‌اند.

جدا از مزخرفاتی که مشابه آن همیشه در کلام و موضع‌گیری‌های سران رژیم برای وارونه جلوه‌دادن شکست‌های حکومتشان اتوماتیک‌وار جاری می‌شود و این رسانه‌ها و مهاجرانی نیز ابتدا همان‌ها را تکرار کرده‌اند، چنین موضع‌گیری‌هایی قبل از هر چیز تلاش برای پنهان کردن ناتوانی حکومت در حمایت و پشتیبانی نظامی و میدانی از بازماندگان محور مقاومتی است که در محاصره و زیر فشار نظامی دولت اسرائیل قرار گرفته‌اند. از این روی یک دلیل حمایت جمهوری اسلامی از پذیرش شکست و تسلیم حماس توجیه همین درماندگی است.

روزنامه منتسب به دفتر خامنه‌ای مدعی است: "دو سال بعد از شروع جنگ غزه اسرائیل و متحدان غربی‌اش در بن‌بست راهبردی عمیقی گرفتار شده‌اند" و چرندیاتی از قبیل اینکه بخشی از این بن‌بست ناشی از مقاومت پایدار حماس و دیگر تروریست‌های اسلامی در فلسطین و بخشی دیگر ناشی از فشار حامیان فلسطین و پرونده‌های حقوق بین‌المللی بوده را به رشته تحریر درآورده که مورد اظه‌رمن‌الشمس است.

روشن است که رژیم اسرائیل و ترامپ در رابطه با جنگ در غزه زیر فشار شدید بین‌المللی هستند و علاوه بر این نتانیاهو در داخل تحت فشار وسیع نارضایتی مردم ناراضی از جنگ و ادامه جنگ در غزه است و این فشارها ترامپ را مجبور به ارائه طرحی برای پایان دادن به جنگ و کاهش فشارهای بین‌المللی مخالفت با ادامه جنگ در غزه کرد و نتانیاهو نیز ناچار به توافق با آن گردید. اما این عقب‌نشینی ترامپ و نتانیاهو برخلاف ادعاهای مسخره رسانه‌های چشم و گوش بسته متعلق به خامنه‌ای و کسانی مانند مهاجرانی نه ناشی از مقاومت دوساله حماس و بقیه تروریست‌ها در فلسطین، بلکه خود حاصل شکست و در آستانه نابودی کامل قرارگرفتن آن‌ها است که امروز دیگر از نظر افکار عمومی بین‌المللی نمی‌تواند توجیهی برای ادامه نسل‌کشی مردم غزه توسط دولت اسرائیل به بهانه نابودی حماس باشد.

این یک واقعیت است که "طرح صلح" برای ترامپ و نتانیاهو پذیرش سندی مبنی بر عقب‌نشینی از ادامه پاک‌سازی قومی در غزه با هدف توسعه سرزمینی اسرائیل در کنار تبدیل غزه به منطقه ساحلی تفریحی (ریورای خاورمیانه) تحت مالکیت آمریکا در برابر فشارهای بین‌المللی است. ولی پذیرش آن توسط حماس و حمایت جمهوری اسلامی به‌زعم سرانش از "پاسخ هوشمندانه حماس" به‌مثابه یک شکست استراتژیکی تنها با هدف حفظ بقای خودشان است. شعار و "عمق استراتژیک" جمهوری اسلامی و همه محور مقاومت که حماس هم یکی از اعضای آن بود، همواره تقویت و توسعه جغرافیایی اسلام سیاسی از طریق نابودی اسرائیل بوده و حالا اوضاع طوری رقم خورده که بازماندگان حماس برای حفظ جان خود حاضر به توافق با دشمن مکتبی و اعلام پایان حیات سازمانی و ایدئولوژیکی و نظامی خود شده‌اند.

اطلاعه‌های هفته اخیر

اجازه بدهیم هم با تورم بسازیم هم قسط‌های سنگین مسکن ملی را بدهیم و پای بی‌کفایتی مسئولین بسوزیم؟"

تجمع اعتراضی رانندگان استیجاری کرمانشاه

امروز چهاردهم مهرماه رانندگان استیجاری شهرداری کرمانشاه در اعتراض به کاهش دستمزدها و مشکلات کاری و معیشتی خود در برابر ساختمان شهرداری تجمع کردند. به گفته معترضین در میانه سال، مبلغ ۳ میلیون تومان از حقوقشان کسر شده و مسئولان شهرداری دلیل آن را کمبود بودجه و "غیرقانونی بودن افزایش حقوق" عنوان کرده‌اند. بدین ترتیب دریافتی آنان به حدود ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در ماه رسیده است - رقمی که حتی هزینه نگهداری خودرو را نیز پوشش نمی‌دهد. این در حالی است که نرخ تورم سرسام‌آور افزایش یافته و گرانی‌ها کمرشکن است.

ادامه اعتراضات داوطلبین آزمون استخدامی آموزش و پرورش

امروز چهاردهم مهرماه ده‌ها داوطلب آزمون استخدامی در ادامه اعتراضات سه‌ماهه خود با حضور در مقابل مجلس شورای اسلامی قصد برگزاری تجمع اعتراضی داشتند، اما با ممانعت نیروهای امنیتی و انتظامی تجمع خود را مقابل وزارت آموزش و پرورش برگزار کردند. اعتراض آنها به اعمال ضرب و امتیاز و تبعیض در استخدام‌هاست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مهر ۱۴۰۴ - ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵

ادامه دوشنبه‌های اعتراضی کارگران رسمی نفت در مناطق عملیاتی جنوب

امروز دوشنبه کارگران و کارکنان رسمی نفت و گاز در مناطق مختلف عملیاتی در جنوب کشور در اعتراض به تبعیض‌ها و سقف نازل حقوقها و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود دست به تجمع اعتراضی زدند و پیکر خواست‌هایشان شدند. این اعتراضات در نقاط مختلفی از جمله شرکت نفت و گاز پارس (عسلویه)، سکوی دریایی پارس جنوبی SPQ1، سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، مجتمع گازی پارس جنوبی - پالایشگاه دوم، یازدهم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (پارس ۲)، سکوهای ۴۰ گانه POGC.

کارگران رسمی نفت در روز گذشته علاوه بر لاوان و خارک در سیری نیز تجمع داشتند. خواست اصلی کارگران رسمی نفت افزایش حقوق‌هاست و مطالبات فوری آنها عبارت‌اند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوق‌های ورشکسته دیگر. اعتراضات متوالی کارگران رسمی نفت حمایت و توجه بخش‌هایی دیگر از کارگران را به خود جلب کرده است. روز گذشته بازنشستگان تأمین اجتماعی در رشت دست‌نوشته‌ای را در حمایت از اعتراضات این کارگران در دست داشتند. این همبستگی‌ها را گسترش دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مهر ۱۴۰۴ - ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات و اخباری دیگر

تجمعات بازنشستگان مخابرات

امروز دوشنبه ۱۴ مهر بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف علیه فقر و گرانی و بساط اختلاسگری‌های سهام‌داران عمده نهاد موسوم به "ستاد فرمان امام" تحت کنترل خامنه‌ای و تعاون سپاه، تجمع و راهپیمایی کردند. این تجمعات از جمله در شهرهای تبریز، سنندج، کرمانشاه، اصفهان، اهواز، زنجان، رشت، تهران، میوان، همدان، و شیراز برگزار شدند. در این تجمعات بازنشستگان در شعارهای اعتراضی خود علیه چپاولگری‌های سهام‌داران شرکت و فریاد "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه" صدای اعتراض خود را بلند کردند. دیگر شعارهای اعتراضی این تجمعات از جمله عبارت بودند از: "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "تا حق خود نگیریم، دوشنبه‌ها می‌آیم"، و "وعده میدی عمل کو؟ ای دشمن دروغگو".

تجمع دانشجویان پرستاری دانشگاه علوی پزشکی همدان

امروز ۱۴ مهر دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی همدان در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری و اجرانشدن مصوبه کارآموزی (اینترنشیپ) پرستاری تجمع کردند.

اخباری از اعتراض در روز جهانی معلم

سیزدهم مهرماه به همت کانون صنفی معلمان ایران (تهران) جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته، طی دو روز ضمن گرامیداشت روز جهانی معلم، یاد معلمان زندانی و سایر زندانیان سیاسی و عقیدتی را گرامی داشتند. در این تجمع معلمان بر آزادی معلمان زندانی تأکید کردند. به همین مناسبت شماری از معلمان و فعالین اجتماعی در سنندج با معلمان اخراجی نسرین کریمی، لیلیا زارعی، صلاح حاجی‌میرزایی و غیاث نعمتی دیدار کردند. چندی پیش نیز جمع‌های معلمان با مجید کریمی یکی دیگر از معلمان اخراجی دیدار داشتند. دیدارهای همبستگی شکلی از اعتراض به احکام سرکوبگرانه علیه معلمان معترض و اخراج و انفعال آنان از خدمت و زندانی کردن معلم است. خبر اعتراضی دیگر در این روز مربوط به تجمع شماری از دانش‌آموزان و والدین آنها در روستای هرچگان از توابع شهرکرد، در اعتراض به نبود معلم در مدارس ابتدایی این منطقه در مقابل استانداری است. تجمع‌کنندگان با فریاد "به ما معلم بدید" صدای اعتراض خود را بلند کردند.

ادامه اعتراضات دانشجویان

شب گذشته دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیر طوسی در اعتراض به شهریه‌های نجومی و مشکل خوابگاه و سلف و دیگر نیازهای معیشتی و تحصیلی خود با فریاد "دانشجویی می‌برد ذلت نمی‌پذیرد"، "مسئول بی‌لیاقت نمی‌خوایم، نمی‌خوایم" به تجمعات اعتراضی خود ادامه دادند.

تجمع ساکنان نهضت ملی مسکن کرمانشاه

امروز ۱۴ مهر متقاضیان نهضت ملی مسکن سراج کرمانشاه، پس از هفت سال انتظار و پرداخت اجاره‌های سنگین با حضور در مقابل درب استانداری، خشم و اعتراض خود را فریاد زده و خواستار پاسخگویی مسئولان شدند. اعتراض آنها به کارکرد مدیران دزد و فاسد است که سال‌هاست پول آنان را گرفته و خانه‌های تحویل نداده‌اند و مبالغ بیشتری نیز درخواست می‌کنند. روی یکی از بر بنرهای اعتراضی این تجمع نوشته شده بود "مسکن ملی = باتلاق ملی، ما زیان‌دیدگان مسکن ملی تا کی باید

ادامه سه‌شنبه‌های نه به اعدام، اعتراضات دانشجویان خواجانه‌نصیر و اخباری دیگر

امروز سه‌شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۴ کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» هفته هشتاد و نهم خود را پشت سر گذاشت و در ۵۲ زندان برگزار شد. این حرکت در حالی برگزار می‌شود که در آستانه ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام هستیم و حرکت سه‌شنبه‌های نه به اعدام به این روز کاملاً پیوند دارد. در بیانیه هفتگی این کارزار همچون هفته‌های گذشته ضمن اشاره به ادامه گسترده اعدام‌ها و تشدید سرکوبگری‌های حکومت بر اعدام ۱۶۹۵ نفر از اول اکتبر ۲۰۲۴ تا امروز اشاره شده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: «همه می‌دانیم اعدام در ایران نه تنها یک مجازات بلکه ابزاری برای ارعاب و ایجاد وحشت در جامعه‌ای است که در شرایط انفجاری به سر می‌برد. از نظر این حکومت، هر اعتراض و اعتراض‌کننده‌ای را باید با اعدام و زندان مرعوب کرد. از همین روست که امروز "نه به اعدام" از جمله شعارهای همه معترضان از معلمان و بازنشستگان و کارگران و دانشجویان است».

در پایان اعضای کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در بیانیه خود بر مبارزات متحدانه علیه اعدام تأکید کرده و می‌نویسند: «ما در کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، با تأکید بر اینکه مجازات اعدام نه عدالت می‌آورد و نه بازدارندگی، بلکه تنها خشونت را نهادینه می‌کند، از همه وجدان‌های بیدار، فعالان مدنی، نویسندگان، هنرمندان، معلمان، بازنشستگان و کارگران می‌خواهیم که صدای خود را علیه اعدام بلندتر کنند تا اصلی‌ترین ابزار سرکوب و خفقان از دست این حکومت اعدامی گرفته شود. آن موقع است که مسیر برای تحقق عدالت و آزادی مهیا می‌گردد». در این روز همچنین شماری از خانواده‌های زندانیان سیاسی مثل هفته‌های گذشته با شعار "نه به اعدام" و با خواست لغو مجازات قرون وسطایی اعدام تجمع کردند.

ادامه اعتراضات دانشجویان خواجانه‌نصیر طوسی

امروز پانزدهم مهرماه دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجانه‌نصیر طوسی در لابی دانشکده برق پردیس سیدخندان تجمع کردند. این حرکت در ادامه اعتراضات این دانشجویان به شهریه‌های نجومی و مشکل خوابگاه و سلف و دیگر نیازهای معیشتی و تحصیلی جریان یافت و دانشجویان معترض با در دست گرفتن پلاکاردهای خود به سوی ساختمان سلف حرکت کرده و با فریاد "نه پادگان نه بنگاه درود بر دانشگاه"، و "سلف خوابگاه نداره دزدی ادامه داره" به فضای سرکوب و دزدی در دانشگاه‌ها اعتراض کردند.

یورش نیروهای انتظامی به منزل ژاله روحزاد و اسماعیل گرامی

بامداد امروز، سه‌شنبه ۱۵ مهر، نیروهای وزارت اطلاعات با حکم بازرسی به منزل ژاله روحزاد، معلم و فعال کارگری یورش برده و تمامی وسایل الکترونیکی او و همسرش اسماعیل گرامی را ضبط کردند. این دومین بار در ماه‌های اخیر است که منزل این دو فعال کارگری هدف حمله نیروهای امنیتی قرار می‌گیرد. پیش‌تر نیز در مرداد ۱۴۰۳ مأموران به خانه آنان یورش برده و اسماعیل گرامی را بازداشت کرده بودند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ مهر ۱۴۰۴ - ۱۷ اکتبر ۲۰۲۵

تجمع و راهپیمایی نانوایان مشهد و اعتصاب کارگران کارخانه فولاد سیادن

تجمع و راهپیمایی نانوایان مشهد

امروز چهارشنبه ۱۶ مهر نانوایان در مشهد در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری و پرداخت نشدن یارانه‌ها و بساط مافیایی و دزدی نانینو، دست به راهپیمایی زده و با شعارهای اعتراضی خود مقابل استانداری تجمع و اعتراض کردند. به گفته نانوایان معترض علی‌رغم سه ماه اعتراضاتشان به فقر، تنها وعده‌وعید شنیده‌اند و بین مسئولان از فرماندار تا وزیر و غیره پاس کاری می‌شوند. در تجمع اعتراضی امروز نانوایان با شعارهای "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "حق ما پرداخت نشه، نونوای تعطیل میشه!" اولتیماتوم به اعتصاب دادند.

تجمع و اعتصاب کارگران کارخانه فولاد سیادن

صبح امروز شانزدهم مهرماه کارگران کارخانه "فولاد سیادن"، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود دست از کار کشیدند و در مقابل درب کارخانه و سپس در مقابل ساختمان فرمانداری ابهر تجمع کردند. طبق گزارشات زیر فشار اعتراض کارگران نشست با حضور اعضای شورای تأمین و نمایندگان کارگری در محل فرمانداری برگزار شد. در این نشست در نهایت مقرر شد کارفرما حداکثر تا روز شنبه هفته بخشی از معوقات مزدی دوماهه کارگران را بپردازد. به گفته کارگران؛ در جریان قطعی برق و گاز فعالیت تولیدی کارخانه حدوداً دو هفته متوقف شده و در نهایت هفته گذشته با مساعدت مسئولان، برق و گاز کارخانه وصل شده و فعالیت تولیدی کارخانه از سر گرفته شده است. اما دو ماه مزد کارگران پرداخت نشده است. کارگران خواستار پرداخت فوری طلب‌هایشان هستند. علاوه بر تعویق دستمزد، ندادن به‌موقع لباس کار، نداشتن فیش حقوقی و عدم رعایت بهداشت کار، بخش دیگری از مشکلات کارگران فولاد سیادن است. در این کارخانه ۲۸۰ کار به کار اشتغال دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مهر ۱۴۰۴ - ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵

۱۷ مهر: چند مورد اعتصاب و اعتراض

اعتصاب کارگران ای نفت، ستاره بندرعباس، کارگران خدمات شهری ایلام، موتورزن تبریز، و تجمع کشاورزان گچساران و آرادان

اعتصاب کارگران پروژه‌های نفت ستاره بندرعباس

امروز هفدهم مهرماه اعتصاب دویست کارگر پروژه‌های نفت ستاره بندرعباس در اعتراض به پرداخت نشدن چهار ماه مزد وارد دومین روز شد. این کارگران در خوابگاه‌های پروژه مانده‌اند و منتظر واریز شدن مزد خود هستند.

اعتصاب کارگران خدمات شهری ایلام

شب گذشته شانزدهم مهرماه کارگران شرکتی خدمات شهری شهرداری ایلام به دلیل پرداخت نشدن سه ماه حقوق و معوقاتشان، دست به اعتصاب زدند. بنا بر گزارشات در جریان این اعتراض، درگیری لفظی و فیزیکی بین تعدادی از کارگران با معاون شهردار و رئیس نقلیه رخ داد. کارگران خواستار پرداخت فوری طلب‌هایشان هستند.

اعتصاب کارگران موتورزن تبریز

روز گذشته شانزدهم مهرماه کارگران و کارکنان شرکت موتورزن در اعتراض به سطح نازل حقوقها و قراردادهای پیمانی و عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان برای دومین روز دست به اعتصاب زدند. عقد قرارداد مستقیم با این شرکت و یکسان‌سازی حقوق دریافتی از جمله خواست‌های کارگران است. در رابطه با این خواست‌ها این کارگران در سه

جمهوری جنگ افروز اسلامی

نابود باید گردد!

موضوعات اعلام شده اعتراضی این خانواده‌ها عبارت‌اند از: شفاف نبودن نحوه محاسبه شهریه مدارس، افت کیفیت آموزش در مدارس، تراکم بالای دانش‌آموزان در کلاس‌های مدارس غیردولتی، و کمبود مدارس دولتی.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ مهر ۱۴۰۴ - ۱۱ اکتبر ۲۰۲۵

تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد، ادامه اعتراضات کارگران موتوژن و اخباری دیگر

امروز بیستم مهرماه بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز، شوش و شوشتر برای پیگیری خواست‌های خود تجمع کردند. در اهواز بازنشستگان مقابل ساختمان اداره کل این سازمان در استان خوزستان تجمع داشتند و در اعتراض به دستگیری همکار خود محمدرضا کامروا و سرکوبگری‌های حاکم شعار می‌دادند "معارض زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "بازنشسته زندانی آزاد باید گردد" و "محمدرضا کامروا آزاد باید گردد". محمدرضا کامروا یکی از بازنشستگان معترض روز شنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۴ توسط مأموران اطلاعات سپاه اهواز بازداشت شده است.

دیگر شعارهای بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز عبارت بودند از: "نگاه پشت شیشه، جواب ما همیشه"، "مستول بی‌لیاقت استعفا، استعفا"، و "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون". در پایان این تجمع بازنشستگان با سردادن سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" کل بساط چپاول و بردگی حاکم را به چالش کشیدند. در شوش بازنشستگان همچون هفته‌های گذشته از سه شهر کرخه، هفت‌تپه و شوش گردآمده بودند و شعار می‌دادند "هزینه‌ها دلاریه حقوق ما ریالیه"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست"، و "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن". در تهران نیز بازنشستگان مقابل تأمین اجتماعی تجمع داشتند و با فریاد "آب، برق زندگی" اعتراض خود را به فقر و گرانی و بی‌تامینی فریاد زدند.

هم‌زمان با تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی، بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان مقابل استانداری تجمع کردند و با فریاد "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن" پیکر مطالباتشان شدند. این بازنشستگان در اعتراض به مشکلات معیشتی و چپاولگری‌های حاکم شعار می‌دادند: "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت".

در این روز همچنین پرستاران دانشگاه پزشکی کرمانشاه در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پرداخت ماه‌ها تعرفه و اضافه‌کاری خود و وعده‌های توخالی مسئولین بار دیگر به خیابان آمدند.

تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی متقاضیان "مسکن ملی" در برابر اداره کل راه و شهرسازی استان یزد صورت گرفت. اعتراض آنان به فساد ساختاری حکومتی است که سال‌هاست دزدان حاکم پول آنان را تحت عنوان ارائه مسکن گرفته و خانه‌ای تحویل نداده‌اند و باز هم پول بیشتری طلب می‌کنند. طرح‌های مسکن ملی یکی از کانون‌های چپاولگری‌های باند‌های مافیایی حکومت است.

آخرین خبر اینکه روز گذشته نوزدهم مهرماه اعتصاب کارگران موتوژن تبریز در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری و خطر اخراج، وارد پنجمین روز شد. هزار کارگر این واحد صنعتی با تأکید بر نبود امنیت شغلی و احتمال اخراج ناگهانی، خواستار رسمی شدن قراردادهای خود شده‌اند. طبق گزارشات هم اکنون فضای این کارخانه به شدت امنیتی شده و مدیران با کنترل تلفن‌های همراه کارگران تلاش می‌کنند از انتشار اخبار این اعتراضات جلوگیری کنند. اما اعتصاب ادامه دارد و کارگران اعلام کرده‌اند که تا وقتی پاسخ نگیرند به اعتصاب خود ادامه می‌دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ مهر ۱۴۰۴ - ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵

سال اخیر تجمعات متعددی بر پا کرده‌اند و جوابی نگرفته‌اند. شرکت موتوژن وابسته به وزارت دفاع است و در آن هزار کارگر به کار اشتغال دارند که بخش بزرگ آنها قراردادهایشان موقت و پیمانی است.

تجمع کشاورزان گرمسار و آرادان برای حقابه

امروز هفدهم مهرماه کشاورزان گرمسار و آرادان هم‌زمان با سفر وزیر نیرو به گرمسار در اعتراض به مشکل بی‌آبی و مافیای آب و دزدی‌هایشان تجمع کرده و محل حضور این وزیر حکومتی را با فریاد "ما آب می‌خواهیم، نه وعده" به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. این کشاورزان خواهان اجرای کامل قانون توزیع عادلانه آب و پایان دادن به سیاست‌های تبعیض‌آمیز در تخصیص منابع آبی شدند. به گفته کشاورزان معترض بحران آب در گرمسار و آرادان دیگر یک هشدار نیست؛ بلکه یک فاجعه است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ مهر ۱۴۰۴ - ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵

اعتراضات کارگران رسمی و ارکان ثالث در لاوان و بهرگان و یک خبر دیگر

بنا بر گزارشات منتشر شده امروز نوزدهم مهرماه کارگران رسمی شاغل در شرکت نفت فلات قاره در لاوان و همچنین در بهرگان در اعتراض به پاسخ نگرفتن مطالبات خود تجمع و اعتراض کردند. در بهرگان این کارگران مدت دو ساعت از ۷ تا ۹ صبح شنبه تجمع داشته و بعد از آن تا اداره مرکزی منطقه راهپیمایی کردند.

کارگران معترض در لاوان در ادامه تجمعات روزهای گذشته اعلام کرده‌اند که ۲ روز در هفته شنبه و دوشنبه از ساعت ۹ تا ۱۲ صبح در محل باشگاه کمپ منطقه حضور خواهند یافت و بر خواست‌های خود تأکید می‌کنند و اگر پاسخ نگیرند به اعتراضاتشان گسترش خواهند داد.

مطالبات کارگران رسمی سراسری است و اهم آن عبارت‌اند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوق‌های ورشکسته دیگر.

از سوی دیگر در هجدهم مهرماه کارگران ارکان ثالث در لاوان با مطالبه برچیده شدن بساط پیمانکاران مفت‌خور و دیگر مطالبات خود و خلف وعده‌ها تجمع داشتند. طبق گزارشات به دنبال سخنان یکی از اعضای مجلس تشخیص مصلحت نظام در خصوص عدم امکان حذف شرکت‌های پیمانکاری نفت با توجیه بار مالی آن، کارگران ارکان ثالث به خشم آمده و طی بیانیه‌ای خطاب به مسئولان اولتیماتوم دادند که اگر پاسخ نگیرند اعتراضاتشان را گسترش خواهند داد. افزایش دستمزدها و حذف پیمانکاران دو خواست اصلی این کارگران است. اهم مطالبات فوری اعلام شده این کارگران عبارت‌اند از: حذف پیمانکاران و برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری و تبدیل وضعیت استخدامی، انعقاد قرارداد مستقیم با شرکت نفت و برخورداری از امنیت شغلی و مزایای مساوی با کارکنان رسمی یا قرارداد مستقیم و اصلاح نحوه محاسبه مزایا و اصلاح و اجرای صحیح رأی شماره ۳۱۸۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و مینا قرارداد آن برای محاسبه مزایایی مانند اضافه‌کاری، نوبت کاری، و جمعه‌کاری و کل دستمزد کارگران.

آخرین خبر اینکه اولیای دانش‌آموزان ۲۵۰۰ خانواری شهرک نفت جم با خواست آموزش رایگان و در اعتراض به نابسامانی وضع مدارس این شهرک فراخوان دیگری برای تجمع در ساعت پنج عصر روز یکشنبه در مقابل فرهنگسرای توحید جم در بیستم مهرماه را داده‌اند.

تجمع خانواده‌های دانش‌آموزان در شهرک نفت جم و تجمع کارگران رسمی در شرکت فلات قاره در سیری و در سکوی رسالت در لاوان

طبق گزارشات منتشر شده امروز بیستم مهرماه خانواده‌های دانش‌آموزان شهرک نفت جم در اعتراض به شهریه‌های نجومی و افت کیفیت آموزشی بار دیگر مقابل "فرهنگسرای توحید" جم تجمع کردند. اعتراض آنان به شفاف نبودن نحوه محاسبه شهریه مدارس، افت کیفیت آموزش در مدارس، تراکم بالای دانش‌آموزان در کلاس‌های مدارس غیردولتی و کمبود مدارس دولتی است. در این حرکت اعتراضی تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند "آموزش رایگان حق مسلم ماست"، و "شفاف‌سازی حق مسلم ماست".

شهرک نفت جم شهرکی با ۲۵۰۰ خانوار از کارگران رسمی نفت است. آموزش رایگان حق مسلم ماست مطالبه کل جامعه است که امروز با چنین قدرتی به‌صورت تجمع و راهپیمایی در شهرک نفت جم فریاد زده می‌شود.

امروز همچنین کارگران رسمی نفت فلات قاره در منطقه سیری در ادامه اعتراضات خود تجمع کرده و پیگیر مطالبات خود شدند. روز قبل در نوزدهم مهرماه نیز این کارگران در سکوی رسالت در منطقه لاوان تجمع داشتند.

مطالبات کارگران رسمی سراسری است و اهم آنها عبارت‌اند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوق‌های ورشکسته دیگر.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ مهر ۱۴۰۴ - ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات، و اخباری دیگر

امروز دوشنبه ۲۱ مهر بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف علیه وخیم‌تر شدن هر روزه زندگی و معیشت خود و بساط اختلاسگری‌های سهام‌داران عمده شرکت تجمع و راهپیمایی کردند. این تجمعات از جمله در شهرهای تهران، کرمانشاه، سنندج، اصفهان، اهواز، مریوان، زنجان، و تبریز برگزار شدند.

حقوقهای نازل، محرومیت از درمان رایگان و بساط چپاول و دزدی سهام‌داران عمده شرکت از جمله موضوعات مورد اعتراض این بازنشستگان است. افزایش حقوقها به بالای نرخ سبد معیشتی، درمان رایگان، پایان دادن به بساط سرکوبگری‌ها و چپاول و دزدی حاکم مطالبات سراسری بازنشستگان است. مطالبات فوری بازنشستگان مخابرات عبارت‌اند از: اجرای آیین‌نامه ۸۹، همسان‌سازی حقوق با هم‌ترازان شغلی و افزایش سطح حقوقها، پرداخت مابه‌التفاوت مزایای رفاهی، ذخیره مرخصی، سهم صندوق‌های پس‌انداز و اجرای رأی وحدت رویه ۹۲۳۵ و اصلاح درمان تکمیلی و رفع تأخیر در بازپرداخت هزینه‌ها.

روز گذشته نیز بازنشستگان تأمین اجتماعی علاوه بر شهرهای تهران، شوش، اهواز، شوشتر که قبلاً گزارش آن داده شده، در رشت نیز تجمع داشتند. در این روز نیروهای انتظامی بعد از پایان تجمع بازنشستگان رشت به شرکت‌کنندگان حمله کردند و ضمن ضبط تجهیزات صوتی، یکی از معترضان را بازداشت کردند. اما زیر فشار تجمع‌کنندگان وی پس از چند ساعت آزاد شد. شرکت‌کنندگان در واکنش به این برخورد نوشتند: "نه تهدید، نه زندان، نه اعدام نیست جلودار ما"، و "ما برای نان، آزادی و عدالت فریاد می‌زنیم، اما پاسخ حاکمیت، سرکوب است...". "معترض زندانی، معلم زندانی، کارگر زندانی آزاد باید گردد" یکی از شعارهای اعتراضی در این تجمع بود.

تجمع خانواده بیماران سیستم‌نویس در اعتراض به گرانی

روز ۲۱ مهر حدود ۱۳۰ نفر از خانواده‌ها و بیماران مبتلا به بیماری نادر سیستم‌نویس در تهران در اعتراض به گرانی داروی خود دست به تجمع زدند. بیماری سیستم‌نویس یک بیماری متابولیکی است که موجب تجمع غیرطبیعی سیستم‌تین در اعضای مختلف بدن می‌شود و نیازمند مصرف

مستمر دارو و تجهیزات پزشکی خاص است. قیمت داروی سیستم‌گون که مردادماه امسال با سهم بیمه ۲۰۰ هزار تومان در دسترس بود، اکنون با هزینه‌ای بالغ بر ۲۷ میلیون تومان عرضه می‌شود. خانواده‌ها به کاهش سهم بیمه و کمبود قطره چشمی و کیت تشخیص اعتراض دارند و طبق گزارشات هزینه بالای دارو و عوارض جانبی نمونه ایرانی، شرایط زندگی و درمان را برایشان به‌شدت دشوار کرده است.

اعتراضات در دانشگاه‌ها گسترش می‌یابد

طبق گزارشات دامنه اعتراضات شبانه خوابگاه دانش به دانشکده هوافضای خواجه‌نصیر کشیده شد. بنا بر خبرها شب گذشته، در پی اعتراض دانشجویان ساکن خوابگاه دانش نسبت به شرایط رفاهی/آموزشی، مسئولان وزارت علوم و دانشگاه بدون پاسخگویی به این اعتراضات جهت برگزاری جلسه به پردیس تهرانپارس روانه شدند. این شانه بالا انداختن‌ها خشم عمومی دانشجویان را برانگیخت و آنان در اقدامی متقابل، اعتراض خود را به لابی دانشکده مهندسی هوافضا گسترش دادند.

روز گذشته بیستم مهرماه نیز دانشجویان دانشگاه شهرکرد در اعتراض به کیفیت پایین غذای سلف و مشاهده کرم در آن، ظرف‌های غذای خود را روی زمین گذاشته و دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی رانندگان وانت نیسان در گمرک بندر دیر

امروز بیست و یکم مهرماه کارگران و رانندگان وانت نیسان در گمرک بندر دیر در اعتراض به تصویب مصوبه مالیات ۵ درصدی و افزایش بیکاری، دست به تجمع زدند. تغییر رویه باربری به کانتینری و انتقال بار توسط کامیون‌ها و خاورها، باعث شده فعالیت این کارگران به‌شدت محدود شود و معیشتشان با خطر جدی روبه‌رو گردد. زیر فشار اعتراض‌کنندگان رئیس گمرک وعده داد که مشکلات آنان را در اسرع وقت مورد بررسی قرار داده و جوابگو خواهند بود.

تجمع کارگران کارخانه چوکای رضوان شهر

امروز ۲۱ مهر جمعی از کارگران شرکت چوکای رضوان شهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق یک‌ماهه خود در محوطه این شرکت دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی نانوایان در شیراز

امروز بیست و یکم مهرماه ماه نانوایان در شیراز در اعتراض به مشکلات معیشتی و پرداخت نشده چندماهه یارانه و بساط چپاول نانینو مقابل استانداری فارس تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ مهر ۱۴۰۴ - ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

دوشنبه‌های اعتراضی در مراکز مختلف نفت و گاز جنوب

امروز بیست و یکم مهرماه کارگران نفت و گاز در مراکز مختلف نفت و گاز جنوب برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. مراکزی که این تجمعات برگزار شدند از جمله عبارت‌اند از: مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه سوم، نفت و گاز پارس سکوها ۴۰ گانه POGC، مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه دوم، شرکت نفت و گاز پارس عسلویه پارس ۱، مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه هفتم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان پارس ۲، شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC پالایشگاه نهم، نفت و گاز پارس سکوها ۴۰ گانه POGC و....؛

مطالبات کارگران رسمی سراسری است و اهم آنها عبارت‌اند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوق‌های ورشکسته دیگر.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ مهر ۱۴۰۴ - ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۱ تا ۱۸ مهر ۱۴۰۴

جمعه ۱۸ مهر:

- بنا بر اخبار منتشر شده در این روز چند حادثه رانندگی در محورهای مختلف استان خوزستان خبرساز شد. انحراف یک دستگاه مینی بوس حامل کارگران در محور آبادان - بندر امام و مصدومیت ۱۴ نفر، برخورد شدید یک دستگاه سمند با تریلر در محور کوت سید نعیم - حمیدیه که چهار مصدوم برجای گذاشت؛ دو نمونه آن است. خستگی رانندگان، فرسودگی وسایل نقلیه و امنیت پایین جاده‌های روستایی و صنعتی از جمله عوامل حوادث مرگبار در جاده‌ها هستند.

اخبار حکومتی از بحرانی جدی در ایمنی جاده‌های خوزستان گزارش می‌دهند. اما جاده‌های ناامن نه فقط در خوزستان بلکه در سطح کشور هر روزه قربانی می‌گیرد و مسبب آن حکومت مافیایی حاکم و چپاولگری‌هایش است. حکومتی که برایش جان انسان‌ها ارزشی ندارد.

طبق گزارشات محور آبادان - بندر امام از پرتددترین مسیرهای کارگری جنوب خوزستان است. هر روز صدها مینی بوس، اتوبوس و وانت، کارگران پالایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی را در این مسیر جابه‌جا می‌کنند و هر روز اخبار تصادفات به‌خاطر ناایمنی این جاده رسانه‌ای می‌شود.

محور کوت سید نعیم - حمیدیه نیز یکی دیگر از مسیرهای پرفتوآمد شهرستان اهواز است که در آن تردد خودروهای سنگین بالاست. نبود شانه ایمن، کم‌عرض بودن جاده و تاریکی بخش‌هایی از مسیر در شب، عوامل خطرآفرین در این جاده است. جاده‌های ناامن و ماشین‌های اسقاطی حمل‌ونقل از جمله موضوعات اعتراضی کارگران و مردم در خوزستان است.

پنجشنبه ۱۷ مهر:

- عبدالامام زایری، زندانی سیاسی بیش از ۲۰ سال است که در زندان شبیان اهواز در حبس است. بنا بر خبرها او از بیماری‌های بسیاری رنج می‌برد و از دارو و درمان محروم است. مرگ خاموش زندانیان سیاسی به‌خاطر محرومیت از دارو، بخشی از جنایت سیستماتیک حکومت در زندان‌هاست. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

چهارشنبه ۱۶ مهر:

- گزارشات از کمبود مدارس و مدارس غیراستاندارد و فاقد اولیه‌ترین تجهیزات برای آموزش کودکان خبر می‌دهند. یک نمونه آن دبستان "شهید رجایی" در شوش است که دانش‌آموزان به‌خاطر نبود میز و نیمکت، کف اتاق روی زمین می‌نشینند و کلاس‌های درس در شرایط بسیار نامناسبی برگزار می‌شود. خانواده‌های دانش‌آموزان نسبت به این وضعیت به مسئولان آموزش و پرورش شکایت کرده و خواستار تأمین تجهیزات موردنیاز و رسیدگی فوری به وضعیت اسفناک مدرسه شده‌اند. اما باوجود گذشت دو هفته از آغاز سال تحصیلی اقدامی نشده است.

سه‌شنبه ۱۵ مهر:

- کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» هفته هشتم و نهم خود را پشت سر گذاشت و در ۵۲ زندان برگزار شد. این حرکت در این هفته در آستانه ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام که پیوند مهمی با کارزار نه به اعدام دارد برگزار شد. سه‌شنبه‌های نه به اعدام در اعتراض به مجازات شنیع اعدام و افزایش شمار اعدام‌ها و صدور احکام مرگ جدید و ادامه سرکوبگری‌های حکومت صورت می‌گیرد. زندانیان در زندان‌های شبیان اهواز، سپیدار اهواز (بند زنان و مردان) و زندان بهبهان از جمله شرکت‌کنندگان در این کارزار هستند.

- جمعی از کارگران روزمزد شهرداری اندیمشک در استان خوزستان در اعتراض به نداشتن بیمه و عدم برخورداری از مزایای شغلی بر حق خود، مقابل ساختمان شورای اسلامی شهر تجمع کردند. به گفته کارگران بیش از هشت سال اشتغالشان در مجموعه شهرداری، همچنان به‌صورت روزمزد فعالیت می‌کنند و از بیمه و دیگر حقوق و حقوق خود و امنیت شغلی محروم‌اند.

- باامداد این روز فارس کعب کرم‌الله، فعال فرهنگی در شوشتر توسط

مأموران اداره اطلاعات با یورش به منزل وی بازداشت شد. طبق گزارشات مأموران امنیتی حکومت ضمن بازرسی دوربین‌ها، تلفن همراه و رایانه شخصی او را ضبط و بدون اجازه برای پوشیدن لباس مناسب، وی را بازداشت نمودند. این بازداشت در پی افزایش فشارها بر فعالان سیاسی در خوزستان و پس از اعدام شش فعال سیاسی در ۱۲ مهرماه ۱۴۰۴ صورت گرفته است.

- قرار بازداشت موقت پنج زندانی سیاسی در اهواز به نام‌های مختار آلبوشوکه، مصطفی هلیچی، رضا حزباوی، عباس ساعدی و عامر مچاسبه که در بند ۵ زندان شبیان اهواز نگهداری می‌شوند، توسط «لیبرکی»، بازپرس شعبه ۱۳ دادرسی عمومی و انقلاب اهواز، بار دیگر برای یک ماه تمدید شد.

دوشنبه ۱۴ مهر:

- بازنشستگان مخابرات همچون هفته‌های گذشته در شهرهای مختلف علیه فقر و گرانی و بساط اختلاسگری‌های سهام‌داران عمده نهاد موسوم به "ستاد فرمان امام" تحت کنترل خامنه‌ای و تعاون سپاه، تجمع و راهپیمایی کردند. در این روز بازنشستگان مخابرات در بیش از ده شهر از جمله در اهواز تجمع داشتند.

یکشنبه ۱۳ مهر:

- تأمین اجتماعی در چندین شهر از جمله در اهواز و شوش و بازنشستگان فولاد در اهواز در اعتراض به فقر و گرانی و مشکلات معیشتی تجمع کردند. بازنشستگان با فریاد "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" کل جامعه را به پیوستن به صف اعتراضات خود فراخواندند.

- تجمع بازنشستگان نفت در اهواز مقابل ساختمان مناطق نفت‌خیز جنوبی در اعتراض به مشکلات معیشتی و علیه چپاولگری‌ها در صندوق بازنشستگی.

شنبه ۱۲ مهر:

- باامداد این روز شش زندانی سیاسی در زندان‌های اهواز اعدام شدند. اسامی زندانیان اعدام شده به شرح زیر است: علی مجدم، معین خنفری، سید سالم موسوی، محمدرضا مقدم، عدنان آلبوشوکه (غیبشاهی)، حبیب دریس در زندان سپیدار اهواز.

جنبش علیه اعدام یک جنبش قدرتمند در ایران است. سه‌شنبه‌های نه به اعدام یک ستون مهم این جنبش است. وسیعاً به جنبش علیه اعدام پیوندیم و از سه‌شنبه‌های نه به اعدام حمایت و پشتیبانی کنیم.

- ۹ صبح این روز کشاورزان در دزفول در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری خود و با خواست تأمین سوخت برای ادوات کشاورزی مقابل فرمانداری تجمع کردند و با نشستن بر روی آسفالت خیابان دست به تحصن زدند. این تحصن چند ساعتی ادامه داشت.

- گروهی از کارگران شهرداری اندیمشک در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری خود مقابل ساختمان فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. این کارگران روزمزد، با در دست داشتن پلاکاردهایی اعلام کردند که علی‌رغم هشت سال سابقه کار در شهرداری اندیمشک، از داشتن بیمه و دیگر مزایای قانونی خود محروم هستند.

جمعه ۱۱ مهر:

- شهاب نظری، زندانی سیاسی در زندان شبیان اهواز، باوجود ابتلا به بیماری قلبی و درد شدید در ناحیه قفسه سینه، از اعزام به مراکز درمانی و دریافت رسیدگی تخصصی پزشکی محروم مانده است. زندان شبیان اهواز یکی دیگر از قتلگاه‌های جمهوری اسلامی است. یک سیاست جنایت‌کارانه حکومت در قبال زندانیان سیاسی محرومیت آنها از دارو و درمان و قتل خاموش آنان است. سمیه رشیدی قربانی اخیر این سیاست بود. شهاب نظری و ده‌ها زندانی سیاسی دیگر نیز جانانشان در خطر است. به نجات جان زندانیان بشتابیم.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۸ مهرماه ۱۴۰۳ - ۱۰ اکتبر ۲۰۲۵

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad_rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته دوشنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

انگلیسی:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید